

آگاهی‌های پراکنده تاریخی درباره سبزواری (قرن سیزدهم هجری)

فرشته کوشکی

مقدمه

این نسخه، دست‌نویس یادداشت‌های روزانه فردی است که نام دقیق وی و نام نوشته‌چندان مشخص نیست. تنها اطلاعاتی که می‌توان بیان کرد، این است که ایشان از خاندان اسکوئی‌ها بوده و از موقعیت ممتازی در میان بزرگان برخوردار بوده است و احتمالاً شغل دبیری و حکومتی داشته است. به گونه‌ای که خود می‌گوید برای حسابرسی امور به مشهد رفته است. به دلیل مرگ همسر و فرزندانش در ایالت خیرآباد در حالت افسردگی به نوشتن این سطور پرداخته است: در لیل پنجم شهر ذیحجه الحرام سنه هزار و سیصد و یازده هجری در قریه خیرآباد در نهایت افسرده‌گی ... کار این و ... را تحریر نمود امید که خلاق عالم عواقب امور را به خیر فرماید.

وی اطلاعاتی را در میان سالهای ۱۲۵۰ - ۱۳۲۰ را درباره شهر سبزواری و حکمرانان آن به دست می‌دهد. گرچه مطالب بسیار پراکنده و نامرتب است ولی اطلاعات دقیق و با تاریخ دقیق حوادث ثبت شده است و نویسنده در حد ممکن کوشیده هر گونه مطلبی را یادداشت کند و بنا به گفته خودش برای آیندگان به یادگار بگذارد تا عبرت برای دیگران باشد.

سبزواری تا اوایل سلطنت دودمان پهلوی تحت حکمرانی شاهزاده‌ای قاجاری اداره می‌شد و یا تابعیت از حاکم منصوب از طرف والی خراسان را که زیر نظر دولت مرکزی بودند، پذیرا می‌شد. این امر تا زمانی بود که مرکزیتی در حکومت به وجود آمد. بعد از آن سبزواری مانند سایر شهرستانها از سوی فرمانداری که از سوی استاندار خراسان انتخاب می‌شد اداره می‌شد.^۲ در زمان شروع سلسله قاجار، حاکم سبزواری اللهیار خان قلیچی تا ۱۳۱۵ هجری بوده است. در زمان فتحعلی شاه علی‌یار خان مزینانی حاکم سبزواری بوده بعد از او میرزا

محمد خان بیگلر بیگی و سپس ارغون میرزا فرزند شجاع السلطنه فرزند فتح علی شاه قاجار حکمران مطلق العنان سبزووار شد.^۳ در ۱۲۵۰ امیرزاده قهرمان میرزا فرزند دیگر نایب السلطنه حکمران سبزووار است و بعد از وی حاجی میرزا محمد برادر حسن خان با جمعیت به ولایت سبزووار آمد و حکومت این شهر را در دست گرفت.^۴ بعد ها مستوفی، عین‌الملک، رکن الدوله و نیر الدوله حاکمان سبزووار بوده اند. از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۸ که محمد تقی میرزا پدر علی نقی میرزا از دنیا می‌رود، هر گاه محمد تقی میرزا رکن الدوله حاکم خراسان بوده شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله حکومت ایالت سبزووار و جوین و اطراف را بر عهده داشته است.^۵ هجوم ترکمانان به ویژه طایفه یموت تا نزدیکی‌های سبزووار و مزینان و غارت کاروان‌ها و اسارت زنان مشکلاتی را برای مردم و حکم‌رانان ایجاد می‌کرده است. همچنین در این رساله از شورش‌هایی در مشهد و جوین نام می‌برد که علت آن‌ها را بیان نمی‌کند.

اطلاعاتی که در این نسخه وجود دارد می‌تواند ما را با موقعیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن دوران بیشتر آشنا کند. نویسنده در این دفترچه یادداشت، روزهای تولد و وفات و علت فوت افراد و برخی تواریخ از دواج افراد را بیان می‌کند. حتی سیاهه‌ای از اموال کسانی که به رحمت خدا رفته‌اند نیز آورده است و فهرست جهیزیه یک عروسی مجلل (عروسی میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر) و قرض و طلب‌هایی که افراد داشته‌اند و گویا با مراجعه به ایشان ثبت می‌شده از دیگر اطلاعات این نسخه است. همچنین اطلاعاتی درباره مشکلات و وقایع جوی که با توجه به کویری بودن سبزووار امری حیاتی بوده است، بیان شده است. از جمله آمدن باران و برف و یا خشکسالی و شیوع بیماری و با که شایع این مناطق بوده است، در این رساله ذکر شده است. برخی وقایع مهمی که در شهر و روستاهای اطراف اتفاق می‌افتاده نیز بیان شده است. جالب این که تمام این وقایع با ذکر تاریخ دقیق و روز و ماه آن بیان شده است. وی هدفش را از بیان این مطالب به یاد ماندن آن برای آیندگان و عبرت‌گیری آنان می‌داند.

بخش اول نوشته بیشتر به ثبت سال‌های تولد و وفات و اقلام اموات اختصاص دارد و بخش‌های پایانی بیشتر حوادث سیاسی و تاریخی و آمد و شد حاکمان سبزووار را شرح داده شده است. در برخی قسمت‌ها اشعاری به فارسی و ترکی آمده است که معلوم نیست سروده نویسنده باشد. همچنین برخی تاریخ‌ها را با مطابقت با تواریخ ترکی آورده است که در خیلی از موارد نیز خوانا نبود. قیمت اجناس و هزینه مراسم مرسوم نیز در این رساله حائز اهمیت است. از باب نمونه ساخت یک مقبره ۷۲ تومان و خرج یک عروسی مفصل ده روزه چهار هزار تومان بوده است. هزینه رفتن به مکه نیز هفتاد تومان بوده است. مواردی که نقطه چین گذاشته شده، بدان معناست که کلمه یا کلماتی خوانا نبوده است.

آغاز یادداشت‌ها

پنج شنبه ... ربیع الاولی ۱۳۰۰ ... کوچکتر ... پایین به سبزواری در حوالی مزبور در اطاق ... کوچکی در سمت قبله در بخاری آتش زیادی افروختند دود شدیدی شد بعد از آمدن به فاصله نیم ساعت خبر رسید که آتش در بخاری ... و چوبهای پوشش خانه در گرفته بوده جمعی را احضار نموده بالای خانه را قدری خراب کردند و آتش را خاموش نمودند. ولی الحمد لله به خیریت گذشت. هر گاه شب ... همه در خواب بودند و سرکار حاجی خان هم در همان اطاق می خوابیدند این قصه اتفاق می افتاد، به کلی صدمه بر وجود ایشان وارد می آمد و اسباب و متروکاتی هم که در اطاق بود کلا می سوخت. خداوند تفضل نمود که در اول شب اتفاق افتاد. و ... رفعتی به عمل آمد. در لیل چهارشنبه بیست و هشتم شهر رجب باران بارید یوم مزبور تا قریب به ظهر بارید لیل پنج شنبه بیست و نهم تگرگ بارید.

در یوم پنج شنبه چهاردهم شهر جمادی الاولی سنه هزار و دویست و نود و هشت هجری والده ماجده را نا خوشی قولنجی عارض شد و ... ولد مرحوم حاجی عبد الجواد مشغول معالجه یوم جمعه پانزدهم شهر مزبور مرض شدت کرده لیل شنبه شانزدهم اول مغرب بد حال گردید نیم ساعت از لیل شنبه گذشته لیبیک حق را اجابت گفته از دار فنا به دار بقا ارتحال نمود. از همان لیل یکشنبه چادری در سر مزار مرحومه مبروره زده و عالی حضرت ملا محمد مشغول تلاوت قرآن مجید بود. پانزدهم ... بنای ساختن مقبره در سر مزار مرحومه شد. و مبلغ هفتاد و دو تومان خرج مقبره گردید و در شهر شوال المعظم ۱۲۹۸ توسط جناب مستطاب آخوند ملا علی _ سلمه الله _ نیابت مکه مرحومه ... حاجی ملا علی اکبر کذابی به مبلغ هفتاد تومان داده شد و در همان سال طواف مکه معظمه به عمل آمد امید که حضرت حق جل شانته غریق رحمت بی منتهای خود بگرداند. و لباس مغفرت به مرحومه مبروره در پوشاند و در این مصیبت عظمی صبری به این بنده و اخوی کرامتی فرماید و توسعه عنایت شود که همواره در خیرات و میرات جهت آن مرحومه کوشیده شود. (تحریر فی شهر رمضان المبارک ۱۲۹۸).

یوم یکشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی ۱۳۰۰ حاجی میرزا محمد رضای حکمت به رحمت حق رفت. در یوم پنجشنبه ۱۴ شهر ربیع الاولی سنه ۱۳۰۰ حضرت مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده رکن الدوله روحی فداها سرکار نواب والا شاهزاده علی نقی میرزا امیرزاده اعظم حکمران سبزواری تلگراف فرموده بودند که بر حسب الامر اعلی حضرت شهریاری _ ارواح العالمین له الفداء _ احضار دار الخلافه شدیم و شما هم در حال حرکت باشید و همچنین جناب جلالت مآب آقای مستشار الملک _ مد ظله العالی _ ... حاجی فرامرز خان تلگراف فرمودند که ایالت خراسان و تولیت جلیله امر قشون به عهده سرکار نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده حسام السلطنه روحی فداها قرار گرفت و عمل ولایت و تولیت و قشون را به من محول فرموده و حاجی خان را نایب الحکومه سبزواری فرمودند و از طرف حضرت ایالت عظمای جدید هم تلگراف محبت آمیز ... و میرزا سلمان مستوفی و پیشکار شد که نیک و بد عمل راجع به ایشان شد. و در یوم پنج شنبه بیست و یکم شهر جمادی الثانی سرکار نواب اشرف والا امیرزاده اعظم حرکت فرمود شب جمعه را در ریود مهمان عالی آقا مهدی خان بود.

اخبار لیل سه شنبه بیستم شهر جمادی الاولی و از قدرت های کامله خداوندی این که سرکار حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده رکن الدوله _روحی فداها_ دریوم یکشنبه ۲۴ شهر ربیع الثانی از مشهد مقدس حرکت فرمود. یوم شنبه دوم شهر جمادی الثانی سنه هزار و سیصد و سه هجری مطابق (سال ترکی؟!/ثیلی) والا محمد تقی مریضه شد و لیل یکشنبه سیم شهر مزبور مرحومه شد. یوم یکشنبه غره شهر جمادی الاولی از نیشابور به...میرزا سلمان مستوفی و پیشکار تلگراف فرمودند که دیوانخانه حکومتی را صفا داده و حمام حکومتی را گرم کنند که لیل سه شنبه را در زعفرانی تشریف دارند و یوم سه شنبه را نزول اجلال به سبزوار خواهند فرمود...میرزا سلمان مستوفی و پیشکار در خیال تدارک و تشریفات بودند و قرار بر این بود که صبح سه شنبه به عزم استقبال تا نزل آباد برویم. در سه ساعت از شب گذشته...میرزا اسماعیل رئیس پستخانه آمد و عالیان مهدی اسماعیل پیک احضار کرده بود. مهدی اسماعیل رفت و به فاصله نیم ساعت مراجعه نمود و با وزیر سر به گوشی نمود و فوراً سرکار آقای وزیر مشغول کاغذ نویسی شدند. و ... خواستند من آمدم، عالیان عباسقلی حاضر شد، پاکت را به او داده اصراری فرمود که خیلی زود برو و در زعفرانی به حضور مبارک حضرت اشرف امجد ارفع افخم والا شاهزاده رکن الدوله روحی فداها بدهند. بعد از رفتن شخص غلام سرکار آقای وزیر بیرون تشریف بردند و بنده را خواستند و فرمودند که امروز که دوشنبه دوم شهر جمادی الاولی است دو ساعت به غروب سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده حسام السلطنه^۴ در طهران مرحوم شد و از جانب اعلیحضرت شهبازی ارواح العالمین له الفداء دستخط مبارک تلگرافی صادر شد که سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده رکن الدوله روحی فداها از بین راه مراجعت به مشهد مقدس فرمایند. علی الحساب را که چرخ این قسم گردش نمود. بعد از

ماده تاریخ فوت مرحوم نواب مستطاب والا شاهزاده حسام السلطنه

پی تاریخ فوتش جستم از پیر خرد گفتم

غش آمد در قلوب عارفین سال وفات او

سلطان مزبور والی شرق

... شد و هم حسام چون برق

تاریخ وفاتش ار بجویی

در رحمت ایزدی شده غرق

در لیل یوم چهارشنبه سه ساعت به غروب باران بارید هفدهم شهر جمادی الثانیه سی و هفت روز از عید گذشته ۱۳۰۰

در لیل دوشنبه بیست و سیم شهر شعبان المعظم ۱۳۰۲ که هشتاد و یک روز از عید سلطانی می گذرد پنج ساعت و نیم از لیل مذکور گذشته چنان باران شدیدی بارید که هیچ پیری را به خواطر نمی رسد. _خداوند ... حفظ فرماید_ که خرابی های کلی وارد خواهد آمد تا کنون که اول طلوع صبح است به شدت هر چه تمام تر می بارد تا خدا چه خواهد تا پنج ساعت از طلوع آفتاب بارید و سیل زیادی آمد.

در یوم چهارشنبه بیستم شهر رجب المرجب (۱۳۱۸) ماده گاوی از شخص ... به مبلغ بیست تومان خریده شد لیل جمعه زائید.

یوم جمعه نوزدهم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۴ جناب ... حاجی میرزا احمد ولد مرحوم حاجی میرزا اسماعیل الشهبیر به قوچانی در مزرعه عشرت آباد به جزئی مرض به رحمت حق پیوست جنازه مرحوم را یوم شنبه که برف می بارید آورده در بلده دفن کردند.

تاک ترمه کاری طاقه، شال کردی، قلمدان، ساروق و سجاف دوزی برخی اموال برجای مانده از اوست.

در لیل شنبه دوازدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۲ در ... جناب آقای حاجی محمد علی نوشته بودند عالیان آقا محمد ابراهیم ولد مرحوم آقا علی اکبر کوه مشی به رحمت حق رفت. خدا بیا مرزدش.

یوم جمعه نوزدهم شهر ذی حجه الحرام ۱۳۰۱ سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده عضد الدوله به سبزوار تشریف آورده و یوم شنبه بیست و یکم شهر مزبور حرکت فرمود به سمت مشهد.

یوم چهارشنبه ششم شهر رمضان المبارک ۱۳۱۸ ماله با علف بسته شد.

در لیل جمعه شانزدهم شهر رجب المرجب ۱۳۱۸ میرزا فرج الله مرحوم شد.

در تاریخ سیچان ئیلی ترکی و هزار و سیصد و هجده هجری در زمستان به هیچ وجه برف و باران نیامد. اینچ ایلی هم از اول عید سلطانی بارندگی نشد. در بیستم شهر ذی حجه الحرام بارانی آمد فی الجمله نرخ ها ارزان شد. باز چندی را نبارید تا این که در یوم پنج شنبه سیزدهم ذی حجه الحرام پایه سخت شدیدی حرکت کرده باران بارید.

لیل جمعه هم تا ساعت پنج باران شدت آمد یوم جمعه را هم پنج ساعت به غروب چنان پایه ای حرکت کرد بارانی آمد که هیچ کس را به خواطر نمی رسد. سیل زیادی آمد خرابی بسیاری وارد آورد. از شصت سال قبل از من چنین پایه وسیع دیده نشده. الحمد لله اگر خرابی هم وارد آمد دنیا را معمور و مخلوق را احیا نمود. در لیل یکشنبه ۲۳ شهر محرم الحرام باران شدیدی بارید لیل سه شنبه ۲۵ محرم الحرام الحمد لله باران خوبی آمد.

در دوم شهر جمادی الاول سنه هزار و سیصد و یازده مطابق ترکی در قوچان چنان زلزله شد که در هر حال در هیچ یک از تواریخ دیده نشده و از قراریکه مذکور شد دوساعت از شب گذشته جناب حاجی میرزا رفیع .. پسرش که در مشهد مقدس مرحوم شده بود مجلس روضه خوانی داشته جمعی در اطرافها بوده اند که زلزله شده و تمام مهمانها شام نخورده شربت مرگ نوشیدند و می گویند دوازده هزار آدم در زیر آوار آمده تلف شده اند امیر الامراء العظام امیر حسین خان شجاع الدوله در سن در گذشته جناب حاجی میرزا رفیع اذن داده نعش او را در جوار امام ... مدفون کردند ... دیده اند که حضرت فرموده که این شخص فاسق فاجر را از جوار من دور کنید در چه عمل ... داشته... که اشتغال تشریف عرق و افعال ... داشت فاعتبروا یا اولی الابصار

در دوم شهر ربیع الاول هفتاد روز به عید سلطانی مو... از قربانلی قره قلی خریده شد به مبلغ چهارده

تومان ... و ... به خود موتی الیه داده شد. به عنوان دندان به دندان به مقدار نوزده من روغن در مدت دو سال که ... سالی سه من نیم را می دهد و در سال آخر هفتاد روز به عید گوسفند را رد نماید .. فوق نمک هم در خانه ...

هو الله تعالی

له ملک ینادی کل یوم

هر کس خلعت حیات پوشید لاجرم شربت ناگوار مرگ را نوشید.

محمدی همراه مستظهر حضرت والا میرزا حبیب الله در تاریخ (ماه ترکی ۱۳۰۲) از مشهد به سبزواری آمد. در تاریخ (ماه ترکی) ۱۳۰۵ مریض شد. از خیر آباد به بلده آمد. جناب میرزا بدیع معالجه نمود. ورم کم مرض صحت یافت. در غره جمادی الاولی مرض عود نمود. در اول غروب آفتاب لیل جمع غره شهر شوال به جوار رحمت ایزدی پیوست. ۱۳۰۵

بعد از آنکه حضرت آصف الدوله از ایالت خراسان معزول و به دار الخلافه باهره رفت. قدری مزاج از حالت طبیعی خارج گردیده بعضی حرکات خوارق عادات به ظهور رسید. تا آن که در یوم دوشنبه سیزدهم شهر جمادی الاولی از مشهد مقدس نوشته بودند و همچنین از دار الخلافه هم خبر رسید که آصف الدوله به رحمت ایزدی پیوست و درب خانه های او را اولیای دولتی قوی شوکت گل و مهر کرده اند.

یا هو

دین و دنیا نیست همچون روز و شب
نیست ممکن جمع شان کردن به هم
ترک دنیا کن اگر دین بایدت
کین دو را با هم نخواهد دید ضم
ای که داری همچو شاهان دست فرمان در جهان
عذر درویشان بخواه و داد مظلومان بده
بر نداری از دل بیچاره گر بار غمی
لطف باش بار خود بر جان مسکینش منه
فرزند که را دوست بود درگذر از او
بیگانه را که مهر تو دارد نگاه دار
هر که را خانه‌ای بود پر زر
هست مفلس گر او ندارد یار
نیست با یار حاجت زر و سیم
زر پی یار هست بر دل یار
هست معیوب هر که بد جوید

دیده ام در جهان از این بسیار
عیب جو کی بود بری از عیب
زانکه عیب است عین آن پندار
هر که را هست سیرت نیکو
با بد دیگران ندارد کار
پرده بر عیب دیگران پوشد
خیر دوستان کند اظهار
خیر خود را بزرگ نشمارد
نیکی دیگران نگردد خار
گر به دست آیدت چنین یاری
دامنش کیرو دست باز مدار
هر کو نهاد اساس سخن بر صلاح خویش
بی وقع گشت در نظر خواجه و غلام
وان کو برنجست آب رخ از بحر دیگران
حاصل شد آخرش ز جهان منتهای کام
فی الجمله مرگ را هوس حشمت است کو
در بند خود میباش همه عمر و السلام
گو کریم نه ای دشمن کریم میباش
ز هر که یاد کریمان کند مگردان رو
نشان نفس خسیس و لثیم آن باشد
که وقت ذکر کریمان ترش کند ابرو
چو باشد کسی را مساعد ملک
کم از کم بود در جهان دشمنش
وگر بی وفایی کند روزگار
کند قصد او در زیر دامنش
رضا چونان بسی باشند و یاران
کسی را تا بود در کوزه آبی
وز ان پس که ناشد دستکاریش
کسی ندید سلامتی را
گر همی خوری که یابد دولت و بخت ...
دوستان در مال دشمنان را گوشمال

سیاحه انگوری که از خیر آباد آورده شده توسط علی حسین علی بابت چهار خروار انگور باغ
تا توانی و دست رس داری
بر دل هیج کس مجو آزار
دوستی در هزار کس شاید
دشمنی را یکی بود بسیار

نسخه دوی چشم که در سنوات سابق شخص سید جلیل القدر ... جهت خانه واده مرحوم میرزا علی رضا
مستوفی بزرگ ساخته بود و مسمی به جواهر سرمه و حتی ... ضعف قوه باصره مجرب است.

سارج ریشه مرجانسنگ سرمه.....یاقوت.... کف دریا..... مروارید..... طوطیایکهربا
روح را بعد از سوختن و صعق و نمود مدت دو هفته در آبغوره پرورده شود و بعد از آن ادویه جات
مفصله را حل کرده یاقوت و مروارید را با نمک سماق ... نماید و با یکدیگر مزوج کرده استعمال نماید
خیلی نافع است. شهر شوال ۱۳۸

[در اینجا یک صفحه شعر است]

تاریخ تولد جناب مستطاب آقای مؤتمن السلطنه حاجی میرزا محمد رضای مستوفی^۱ دیوان اعلی پیشکار
مملکت خراسان وزیر دارالشورای کبری در مشهد مقدس در لیل دوشنبه نوزدهم شهر شوال هفت ساعت
و چهل و دو دقیقه از لیل مزبور گذشته مطابق ... ۱۲۴۲

تاریخ وفات مرحوم جلالت مکان در دار الخلافه طهران در لیل چهارشنبه ششم شهر ربیع الاول مطابق
... ۱۳۰۸

تاریخ تولد جناب مستطاب آقای حاجی سید محمد علی خالوی جناب مستطاب آقای شریعتمدار سلم
الله تعالی در لیل یکشنبه نهم شهر شوال چهار ساعت از لیل مذکور گذشته ۱۲۴۳ و اما مدت چهار سال
بود که سنگ مثانه داشت و اطباء ... ملتفت نبودند در شهر محرم الحرام ۱۳۰۸ که سرکار نواب علیه عالیه
امین اقدس به قصد زیارت امام همام _علیه السلام_ تشریف فرمای سبزواری شدند میرزا سید حسین دکتر
همراه بود مشار الیه را دیده علت و مرض را فهمید. فرمود که بروند به طهران ... که در معالجه این مرض
... است. شاید علاج نماید در شهر صفر حرکت نموده رفت تا شهر جمادی الاولی تردید در معالجه داشت.
در یوم سه شنبه نهم شهر مزبور تن به معالجه درداده موضع را شکافته سنگ را برون آوردند. چون فصل
... نبود در لیل پنجشنبه به رحمت ایزدی پیوست ۱۳۰۸ جناب مستطاب آقای ... در منزل خود مشغول
تعزیه داری بودند.

تاریخ تولد ... حاجی فرامرز خان سرتیپ... سبزواری در یوم جمعه بیست و دوم شهر رمضان المبارک دو
ساعت و نیم از طلوع آفتاب گذشته در قریه باغان مطابق ... ۱۲۳۲

تاریخ وفات مرحوم ... مزبور در لیل چهارشنبه هیجدهم شهر جمادی الاولی شش ساعت از شب گذشته
مطابق ۱۳۰۸ ماده تاریخ وفات باغانی مرد.

تاریخ تولد ... حاجی میرزا موسی مستوفی ولد... مرحوم میرزا علی رضا مستوفی بزرگ دوازدهم شهر

جمادی الاولی لیل چهار شنبه هفت ساعت از لیل مذکور گذشته ۱۲۵۱ مطابق ...
تاریخ وفات مشار الیه در یوم یکشنبه بیست و هشتم شهر محرم الحرام ۱۳۰۸ مطابق با...
عالیان عباسقلی آقای ... مبتلا به مرض ... بود و زمین گیر به هیج وجه قوه حرکتی نداشت. در لیل سه
شنبه بیستم شهر جمادی الاولی چهار ساعت از لیل مذکور گذشته مرحوم شد. سنه هزار و سیصد و هشت
گویا هفتاد و شش سال از عمر مرحوم گذشته بود.

حاجی میرزا محمد علی در تاریخ ۱۲۳۵ در لیل سه شنبه هفدهم جمادی الاولی متولد شد. و در لیل پنج
شنبه پانزدهم شهر شوال از دار فنا به دار خلود انتقال نمود. به تاریخ هزار و سیصد و بیست هجری.
تاریخ تولد عالیان ... میرزا ابولقاسم مستوفی در لیل دوشنبه چهارم شهر رجب اول طلوع آفتاب مطابق
۱۲۳۲.....

تاریخ وفات مرحوم معزی الیه در لیل پنج شنبه یازدهم شهر شوال المکرم مطابق ۱۲۹۲..
عالیان محمد رضا خان در شهر... با پسر مرحوم میرزا ابو القاسم کندی به ارض اقدس رفت مریض شد.
در یوم دوشنبه بیستم شهر ذیحجه هزار و سیصد و هفت هجری قمری به رحمت ایزدی پیوست. ۵۵ سال
در دار دنیا زندگانی نمود. حضرت حق بیا مرزدش.
جناب آقای حاجی میرزا آقا بابا به قراریکه مسموع شد، نه از روی تحقیق، در سنه هزار و دو بیست و
چهل تولد یافته و در لیل سه شنبه بیست و هفتم شهر شوال ۱۳۰۸ لیبیک حق را اجابت کرد. تاریخ هزار
و سیصد و هشت.

خاله بی بی مروارید خانم در تاریخ ۱۲۳۴ متولد شد ... میرزا محمود مستوفی عموزاده اش دادند در تاریخ
هزار و دو بیست و پنجاه و هفت میرزا محمود مرحوم شد. بعد از سه سال به جناب مستطاب آقای حاجی
میرزا مهدی دادند. در یوم ۱۳۰۹ هزار و سیصد و نه مرحومه شد.

در لیل پنج شنبه سیم شهر شوال المعظم سنه هزار و سیصد و نه هجری محمد حسن مشهور به قجر آقا
که چهل و سه سال از عمر او گذشته بود مرحوم شد. عالیجناب میرزا هدایت الله ... در یوم شنبه چهاردهم
شهر شوال المعظم اشرف... حاجی محمد علی تاجر ... میلانی که مدت شش ماه به مرض سل مبتلا بود،
جهان فانی را بدرود کرد. سنه هزار و سیصد و یازده ۱۳۱۱ زوجه مرحوم در شهر ذی حجه ۱۳۱۲ مرحومه
شد.

در تاریخ هزار و دو بیست و هفتاد و هشت مرحوم حاجی محمد حسین دختری به مرحوم حاجی فرامرز
خان مرحمت فرمود، مسمی به رقیه خانم ولد سلمان خان پسر مرحوم علی مراد خان دادند. در هفدهم
جمادی الثانی در قریه حسن آباد مشهور به ده زمین مطابق سال ... سنه هزار و سیصد و نه مرحومه شد.
۱۳۰۹

در لیل جمعه چهارم شهر شوال سنه هزار و سیصد و نه صبیبه کربلایی ... فاطمه که در ... حاجی میرزا
رفیع بود و بعد از فوت او جناب مستطاب آقای حاجی میرزا ... مجانا ساعتی صیغه کرد و پسری متولد شد
که جناب میرزا عبد الرحیم است. مرحومه شد مرحومه والاه فاطمه بوده ... خداوند رحمت کند.

جناب مستطاب .. آقای حاجی میرزا مهدی در تاریخ هزار و دویست و بیست و هشت متولد شده اند و در تاریخ هزار و سیصد و یازده هجری در یوم شنبه سیزدهم شهر ذیحجه یک ساعت و نیم به غروب به جوار رحمت حق پیوست. خداوند به خیریت اجداد ظاهرشان درجات مرحوم اگر چه عالی است و آمرزیده است اعلی فرماید. که الحق چنین وجود شریفی دیده نشده است. هر گاه از اوصاف حمیده مرحوم شمه ای نگاشته شود ...

در لیل جمعه ... شهر شوال ۱۳۲۲ و الاله جناب مستطاب ساسان .. محمد رحیم مرحومه شد. در تاریخ هزار و دویست و پنجاه و چهار متولد شد. و در شهر ربیع الثانیه هزار و سیصد و سیزده ... به مشهد رفت و در یوم شنبه چهارم شهر رجب مراجعت نموده مریض بود. عصر یوم یکشنبه پنجم شهر مزبور مرحوم شد.

میرزا علی اکبر خان ولد مرحوم کربلایی در لیل جمعه سیزدهم شهر .. ۱۳۰۸ در منزل خودشان در حضور شخص شاطر نانو با برادر خود میرزا علی اصغر حرف ... در باب حسابی که با یکدیگر داشته اند حاصل نموده. از قرار مذکور میرزا علی اصغر کیسه پول سیاه دخل همان روز که ... سه چهار تومان بوده بر پهلوی میرزا علی اکبر زده به فاصله دوساعت بیچاره دار فانی را بدرود کرده جان به جان آفرین تسلیم نمود. سن مرحوم ... سی و هفت سال بود. خداوند رحمت کند که خوب جوانی بود و به دست اخوی خود مقتول گردید.

در یوم پنج شنبه ۱۳۰۹ شهر ربیع الثانیه که از خیر آباد مع عیال و احکال به بلده آمدم مسموع شد که حسین خان ... در یوم چهار شنبه در مزینان مرحوم شد. و همچنین خبر رسیده که در همین اوقات شمس السلطنه..... زوجه مرحوم اشرف در نیشابور مرحومه شده است.

در لیل جمعه ۱۳۰۹ هیجدهم شهر ربیع الثانی صبیبه مرحوم حاجی سید حسین امام جماعت وضع حمل شد در ساعت هفت مرحومه شد و نیز صبیبه مرحوم میرزا محمد قلی که زوجه علی محمد خان ... بود در هفتم شهر ربیع الاولی ۱۳۰۹ وضع حمل شد. دو پسر زایید، یکی به فاصله هفت روز مرد. و دیگری بیست از همان سال مریضه بود تا در لیل شنبه نوزدهم ربیع الثانی در ساعت چهار دار فنا را بدرود گفته به رحمت ایزدی پیوست. تعزیه داری ... به عمل آمد الیوم که دوشنبه است بنای .. هست.

فاعتبروا یا اولی الابصار در لیل چهار شنبه نوزدهم شهر ربیع الثانی که زوجه ... علی محمد خان سرتیپ مرحومه شد. در یوم دوشنبه بیست و هفتم شهر مزبور که ... شده بود صبیبه کوچک مرحوم میرزا محمد علی را عقد نمود. تا چه شود.

تاریخ تولد خانم تاج صبیبه مرحوم میرزا محمد علی در نهم شهر شعبان المعظم سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت و اما در تاریخ هزار و سیصد و شش هجری در لیل دهم شهر ربیع الاول ... علی محمد خان سرتیپ داده و عروسی سنگین که شرح آن علییده نگاشته شده و در لیل یکشنبه هیجدهم شهر ربیع الثانی سنه هزار و سیصد و نه از دار فنا به دار بقا رفت و در لیل دوشنبه بیست و پنجم شهر مزبور، صبیبه دیگر آن مسماه به فاطمه سلطان را عقد نمود.

جهان.. در تاریخ هزار و دویست و پنجاه و هشت متولد شد و در تاریخ هزار و سیصد و نه هجری در مرحوم شد.

تاریخ تولد حاج آقای رجبعلی ولد مرحوم حاجی سلیمان در سنه هزار و دویست و چهل و هشت و اما در ... شهر .. هزار و سیصد و نه هجری جهت جمع آوری جو رقه به رباط سر پوشیده رفت و در همانجا مریض شد. مشار الیه را به بلده آوردند در لیل یکشنبه هیجدهم شهر مزبور دار فنا را بدرود گفته به دار بقا ارتحال نمود. امید که حضرت حق مرحوم را بیامرزد و لباس مغفرت در پوشاند. الحق شخص خالی از ضرر و محبوب بود.

چنین است رسم سرای غرور

درو گاه ماتم بود گاه سور

رقیه خانم صبیبه مرحوم حاجی قریب در شهر جمادی الثانی ۱۲۰۷ متولد شد ... به سلمان خان دادند در ... شهر جمادی الثانی ۱۳۰۹ در قریه حسن آباد مرحومه شد.

می خواست تا بخشد خدا بر عالمی سر تا به پا
بخشید از این پس چون برد دیدت سزاوار ...
تا گل بر آمد در چمن تا لاله روید از دمن
تاسرو ناز و نارون آزین جو بار آمده
روی تو چون گلبرگ تر قدت چو سرو کاشمر
خصمت چه لاله بر جگر با داغ بسیار آمده
صمصام پی پروا بود بس بر سرش غوغا بود
در بافقتش ماوی بود اینجا گرفتار آمده
دادم به وسع خویشتن در مدحتت داد سخن
لطفت ندانم تا به من دیگر چه پر کار آمده
یوم جمعه بیست و یک جمادی الاولی محمد رضای کربلایی کاظم عروسی کرد.
هو ال ...

قصیده در مدح حاجی محمد باقر خان عماد الملک
..... تار است این زمین یا شهر ... آمده
نی نی علو گفتم چنین ... کی بار آمده
از بس شمیم و ضمیران وز بوی سغد و زعفران
گویی که این عالی مکان دکان عطار آمده
کاخ سلیمان است این یا باغ رضوان است این
یا قصر نعمان است این صنع صنمار آمده
کز خوانمش باغ آرم تک آمدش کرد و دژم

کاین بود در ... کم از قدر و مقدار آمده
... بهشت جاودان اینجا پدیدار آمده
هی نخل با اور نگر بر غیرت عر عر نگر
چون بختیان نر نگر در بار و بر بار آمده
نهرش مگر در سر سبیل آمد جدا و شد ...
یا آنکه خود دریای نیل اینجا پدیدار آمده
ویژه درین باغی بودکان بر ارم داغی بود
فردوس ازون داغی بود از بس بهنجر آمده
گویی باری نقش این مانی مگر آمد رحین
یا قصری از خلد برین اینجا در انظار آمده
اینجا بود نامش طبس کش باغ ... از هوس
دایم به سر همچون مگس ... آمده
هان از چه دارد این مگان این جاه و فر و فروشان
از یمن صدر دوستان کش حرج در باز آمده
خانی که خوانش بر جهان دارد درش او پاسبان
خاقانش اندر خادمان ناکرده احضار آمده
حاجی عماد الملک شه پایگه
برتر ز کیوانش کله از لطف دادار آمده
کوهی که آهین نام او بشکافد از صمصام او
زان باقر آمد نام او این نام اخیر آمده
علی ... و چنین مستتر در خلق مشکش نگر
نیکاله کال شکر در خویش ازمار آمده
روز و غا چون حمله ور گردد به خصم بد سیر
ماند بشیری پر ... در کله ... آمده
منقش چه ماند در غزا ارغنده عریان ازدها
... چه در روز و غا ماری به کین بار آمده
ماند چو توسن پوستش کوهی که در ... شش
برقی که برق درخشش عاجز ز رفتار آمده
دستش ... اینجا بحری ود بی انتها
پر... سنگین بها با در شهوور آمده
بارد چو ابر ایمنی سازد گدا را زون غنی

فریه ز فرش ... غمخوار غمخوار آمده
ملکش همه آباد بین هی عدل بین هی داد بین
وارسته از بیداد بین فارغ ز تیمار آمده
ای صدر دریا استین ای میر دار ...
خود برتر استت استیال از خرج دوار آمده
شها خر رسان بر سر نی از تو دارد رست و فر
بل باختر را باختر از بین گلزار آمده

در تاریخ هزار و سیصد و هجده هجری زمستان برف و باران بسیاری آمد رشد حاصل شد در .. شهر
صفر خیر آباد را ... در ... شهر ربیع الاولی همه روزه پایه‌های سخت حرکت کرده در لیل سه شنبه دوازدهم
در ظهر یوم دوشنبه علی‌الاتصال پایه صدا کرد باران زیادی بارید.

در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و سه سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهزاده حسام السلطنه سلطان مراد
میرزا به هرات رفته هرات را محاصره نمود. در آن دوران جناب ... میرزا محمد حسین مستوفی خدمات
شایان به دولت ایران نمود. بعد از صلح با سلطان احمد خان و مراجعت شاهزاده حسام السلطنه میرزا محمد
حسین را امکان اقامت هرات نمانده با متعلقین حرکت کرده به مشهد مقدس آمده پادشاه اسلام پناه کمال
مرحمت را فرموده موجب و مراحم زیادی مرحمت شد. در تاریخ ۱۲۸۶ در شهر صفر نواب اشرف والا
شاهزاده حشمة الدوله حمزه میرزا به ایالت خراسان مامور شده مستوفی به همراهی جناب جلالت مآب
مؤمن السلطنه به سبزواری ... استقبال آمدند. شاهزاده لطف الله میرزا به حکومت سبزواری برقرار و جناب
مستوفی را به پیشکاری گذاشتند. پانزده ماه بود و احضار به مشهد شد. بر حسب خواهش شاهزاده ایشان از
پیشکاری معزول و جناب میرزا علیرضا عوض مستوفی آمد در تاریخ ۱۲۸۹ مرحوم نظام الدوله والی خراسان
۱۲۹۱ مستوفی را به حکومت سبزواری مامور فرمود. ۱۲۹۲ نظام الدوله مرحوم ظهیر الدوله به ایالت آمد و
مستوفی به حکومت برقرار بود. ۱۲۹۳ ظهیر الدوله معزول و مستوفی نیز از حکومت عزل و سرکار نواب
اشرف والا شاهزاده رکن الدوله والی و جناب جلالت مآب آقای موتمن السلطنه پیشکار و همچنین تغییرات
حاصل گردید. تا ۱۳۱۴ حضرت اشرف آصف الدوله والی و جناب مستوفی به حکومت آمد. در همان چند روزه
آصف الدوله معزول حضرت رکن الدوله والی و آقای عین الملک حاکم سبزواری و مستوفی پیشکار بودند.
دو روز بعد سلطانی مستوفی به مشهد رفت ۱۳۱۶ آقای عین الملک معزول و مستوفی به حکومت آمد.
۱۳۱۷ مستوفی معزول شاهزاده مجد الممالک به حکومت آمد. در شهر ذیحجه ۱۳۲۰ جناب مستوفی به
رحمت حق پیوست. مجد الممالک یک سال و نیم حکومت کرد. بعد از او حاجی صدر الدوله آمد پنج ماه
و هفت روز حکومت کرد. تغییر ایالت و حکومت شد. حضرت مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده نیر الدوله
از ایالت معزول و حضرت مستطاب اشرف افخم والا آقای رکن الدوله برقرار و جناب حاجی صدر الدوله
از حکومت سبزواری

محمد حسین میرزا ابن میرزا ابن حیدر قلی میرزا ابن احمد میرزا ابن نادر سلطان ابن شاهرخ میرزا

ابن رضاقلی میرزا ابن نادر شاه افشار

یا هو

نواب والا شاهزاده وجیه خلف مرحوم شاهزاده عضد الدوله در عوض خدمات به دولت از جانب شاه شهید _ طاب ثراه _ امیر خان سردار سردار شد و بعد از چندی سپه سالاری لشکر تعویض به ... گردید. در تاریخ ۱۳۲۳

در شهر ذی حجة الحرام از دار الخلافه به قصد زیارت امام همام _ علیه السلام _ عزم خراسان نموده مدتی در شاهرود اقامت کرد. در هشتم شهر محرم الحرام ۱۳۲۲ وارد سیزوار شده پنج شب توقف نمود. در یوم حرکت صد نفر سواره سیزواری که سالها سپرده مرحوم حاجی فرامرزان بود و بعد از مرحوم شدن او عمده الامراء علی محمد خان دو سه نفر به دار الخلافه رفته مایه های زیاد گذاشته طوری که متدرجا بقدر سی هزار تومان بل مضاعف دارایی خود را سر این کار گذاشت. سپه سالار سوارها را از او گرفته مبلغ چهار هزار تومان از سلیمان خان پسر مرحوم محمد رضاخان دریافت کرده سوارها را به او داد و رفت. در شهر جمادی الاولی مرض وبا در سیزوار بروز کرده مردم فرا ر کردند. در بیستم شهر مزبور سلیمان خان در رامشین بلوک سرکوه مبتلا به مرض شده وفات یافت. پنجاه نفر از سوارها اخراج پنجاه نفر دیگر محل حرف است. علی محمد خان سجیع السلطان در غره شهر ذی حجه به دار الخلافه رفته تا خدا چه خواهد.

چند بیت شعر ترکی فارس من کلام فضولی و غزلی از قول مجنون _ علیه الرحمه _ قصیده ای از کلام عارف در مدح حضرت حجت

از اول میزان ۱۳۱۸ به هیچوجه برف و باران در زمستان نیامد. خیلی خشک سال شد. نرخ ها گران شد. در بیستم شهر ذیحجه _ الحمدلله _ باران زیاد آمد.

غزل ترکی من کلام فضولی و غزل دیگر از قول مجنون

....

شعر فارسی

هلا که مژده میدهد که زور اهل زار شد
در عنایت خدا به روی خلق باز شد
پدید شد حقیقتی که ناسخ مجاز شد
فروزها نشیب شد نشیب ها فراز شد
امیر لشگر خدا به کشور حجاز شد
ز عدل و دادش از زمین بس ستم برآمده
... چشم انبیا سرمه چشم اولیاء
امان ز اهل معرفت امین بر کبریا
شعار عاشقان حق شعاع نور مصطفی

امام حی منتظر سبیل طالب هدی
نفا و حکم ایزدی دلیل قدرت خدا
که جای چاکران او ز عرش برتر آمده
ز آفتاب ذات او تجلی صفات حق
مشیت اله را ظهور اوست ما صدق
زدفتر ثنای او بود سپهر نه ورق
زخون دشمنان او زمین چو لاله گون شفق
ز صولت جلال او روان کفر بی رمق
که در گه مصاف او چو دست حیدر آمده
... به شود هر آنچه خورد مه شود
هر آنچه کوه بنگری چو پر کاه که شود
هر آنچه سنگ ریزه ای چو سب و نار و به بود
..... در کمال او چو بزه شود
درون خصم سنگ دل چو لعل خون گره شود
که ناوک... قصای او ... او برآمده
به انتظار وصل او غم فراق می کشم
چه او بود طیب من به ناخوشی بسی خوشم
طرب کنم به یاد او اگر میان آتشم
نه شورش نه از ...
نه از جفا شکایتی نه در بلا مشوشم
که زهر با ولای او چو آب کوثر آمده
چو رایت جلال او به فتح ... شود
ز رؤیت جمال ... حق عیان شود
.. خزانه جهان بهشت جاودان شود
زمین در ثمین شود زمان همه امان شود
همیشه دور به کام دوستان شود
شب فراق عاشقان ز مقدمش برآمده
سخن بس است عارفا خموشی است کار تو
نه شعر بوده پیشه ات نه شاعری شعار تو
همین که نام بری بس است افتخار تو
اگر چه داده نعل و درد طبع بردبار تو

اگر چه بحر شد خجل ز شعر ... تو
ولی به بارگاه او مهر آمده

در لیل پنجم شهر ذیحجه الحرام سنه هزار و سیصد و یازده هجری در قریه خیر آباد در نهایت افسرده گی ... کار این و ... را تحریر نمود امید که خلاق عالم عواقب امور را به خیر فرماید.

در سنه هزار و سیصد و نه هجری سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهزاده رکن الدوله از ایالت خراسان معزول و جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به ایالت برقرار شد و در پنج شهر رمضان المبارک وارد سبزواری شد. جناب جلالت مآب آقا میرزا علی محمد مؤتمن السلطنه پیشکار و ... آقا میرزا سلمان مستوفی دیوان اعلی را هم جهت کارهای شخصی خود آورده به فاصله چندی آقا میرزا سلمان مراجعت به دار الخلافه کرده سال اول عمل با شخص مؤتمن السلطنه بود. در سال دیگر ایشان را از عمل معزول و عمل ... را به میرزا محمد حسین مستوفی هرات سپرد. خدایی نگذشت که تغییر در ایالت حاصل گردید. ولی در دو ساله ایالت مؤتمن الملک حاکم سبزواری و جوین بود، الحق چنین ایالت و حکومتی تا حال نه کس دیده و نه شنیده و هر قدر انسانی بخواهد تشریح نماید ممکن نخواهد بود. تا در شهر شوال هزار و سیصد و ده بحمد الله که مملکت خراسان از لوٹ پدر و سبزواری و جوین از کثافت پسر پاک گردید. ایالت مفوض سرکار نواب اشرف امجد افخم والا شاهزاده مؤید الدوله و حکومت سبزواری و جوین ضمیمه ولایت نیشابور و سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهزاده نیر الدوله روحی فداها تعلق یافت ایالت کبری در بیست و یکم شهر صیام تشریف فرمای سبزواری شده ... حاجی میرزا علی خان که از نوکرهای قدیمی این بود همراه جناب مؤتمن السلطنه نیز از مشهد احضار شده و کل ... خراسان در سبزواری جمع شده در همین سبزواری معلوم شد که عمل پیشکاری راجع به آقای حاجی میرزا علی خان است. بعد از ورود موبک مسعود به ارض اقدس قطع و یقین گردید. تا کنون که هیجدهم شهر ذی حجه الحرام است رجوع خدمت به جناب آقای مؤتمن السلطنه شده و بعد ها را هم محل اشکال است تا خدا چه خواهد.

و اما وقایع خود این بنده این قسم است که در تاریخ ۱۳۰۴ هجری همشیره میرزا محمد ابراهیم منشی باشی با پسری در سن بیست و هفت و دختری مرحوم و مرحومه شد. که در تاریخ هزار و سیصد و نه ناخوشی وبا بروز کرده فوراً به خیر آباد آمدیم. اولاً در پنج ذی قعدة صبیبه ای که از همشیره منشی باشی بود، مبتلا گردید. در روز عید اضحی به رحمت حق پیوست. در همان شب همشیره آقا محمد رضای میر آخور نیز مبتلا شده در لیل دوازدهم مرحومه شد. از همان تاریخ در نهایت افسردگی در قریه خیر آباد به سر می برد. تا اینکه اولاد منحصر به یک پسر که مسمی به شکر الله باشد، گردید. در دهم شهر رمضان المبارک ۱۳۰۱ در خیر آباد مبتلی به مرض پیچش و اسهال شد. هر گونه معالجات به عمل آمد حاجی اسماعیل که خالوی جوان مرگ باشد مدتی در خیر آباد بود. در نیمه شوال بهتر شده استدعای رفتن بلاش آباد گردید. راضی نشدم آخر الامر

و اما اولاد مرحوم سرتیپ سه نفر پسر و چهار دختر است. اکبر اولاد ذکور محمد مهدی خان که از صبیبه مرحوم میرزا حسین خان منشی باشی الله یار خان اصف الدوله بزرگ، وسطی اکبر خان که از صبیبه مرحوم

حاجی محمد حسین خیر آبادی بر حسب سن کوچکتر علی محمد خان که در حال حیات مرحوم سرتیپ منصب سربیکی داشت، و علاقه خواطر مرحوم به مشار الیه از جمیع اولادش زیادتر بود و بر همه مقدم می داشت و از تاریخ (تر) ... سنه هزار و دویست و و پنج زمام اختیار صدو شصت نفر سواره را به او واگذار کرده بود و به هیچ وجه مداخله در عمل سوارها و مواجب آنها نداشت. و الحق هر گاه در میان اولاد بنای خصومت و مدعی گری نباشد استعداد و قابلیت را دارد و می تواند حفظ دودمان و خانواده پدر خود را بنماید. اگر چه هنوز جوان و بعضی حرکاتش از حد اعتدال خارج است، ولی به مرور در تنور ایام خوب خواهد شد ولی چه سود که در باب عناد که در میان طایفه آنها یافته آمد، نخوائید که با یکدیگر به راه بروند و عاقبت خواهد شد آنچه دلخواه ارباب عناد باشد. و اما از جمله چهار صبیبه بزرگتر از همه اولادش که در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و چهار به عالیان به علی خان داد و در خانه ایشان است و با محمد مهدی خان از یک مادر است و صبیبه دیگر از مادر اکبر خان است که سلیمان خان پسر مرحوم علی مراد خان کوه مشی داد و نیز صبیبه دیگر از دختر یوسف ولد طاری و یزدی که منقطعه بود که به محمد خان پسر مرحوم رضاقلی خان داد و صبیبه صغیره از منقطعه سیده کرمانیه دارد که به سن هفت سال است. بعد از فوت سرتیپ که جمیع اقوام در باغان بودند و در یوم جمعه بیستم جنازه را روانه مشهد نمودند. در یوم شنبه جناب مستطاب شریعتمدار حاجی میرزا ابراهیم... غلامحسین نایب الحکومه و جمع کسری از بلده آمده بساط تعزیه برجیده شد. مسموع گردید که بندگان حضرت اشرف ارفع والا آقای امیر زاده اعظم حکمران روحی فداها ماده تاریخی فرموده اند.

سرتیپ فرامرز که بدر نیم کرد
از کل شقاد مرگ جان را بسپرد
تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم
گفتا بشمار لفظ باغانی مرد. ۱۳۰۸

در لیل نهم شهر جمادی الاولی منقطعه سیده کرمانیه را دیده حامله شد. در شهر ربیع الاولی وضع حمل شده پسری که شباهت تام به مرحوم سرتیپ دارد زائید.

نواب داود میرزا به تلگرافخانه مزینان به حاجی آقا محمد اطلاع میدهد و حاج ... حاجی فرامرز خان می گوید از همان وقت قوه واهمه غلبه نموده لیلا و نهارا در فکر و خیال مردن بود. بعد از انجام خدمات در غره شهر جمادی الاولی از مزینان به سبزووار می آیند دو سه روزی توقف کرده به باغان رفتند. در چهارم مزبور جنازه مرحوم مؤتمن السلطنه را به سبزووار آوردند و معزی الیه را ... تکثر مزاج امکان آمدن به بلده نشد. بعضی حمل بر ... کردند تا اینکه به فاصله دو سه روزی معلوم شد که نهایت بد حالی را دارند. جناب میرزا اسماعیل حافظ الصحه را بردند سه چهار شب در باغان بود مرض اشتداد یافته در لیل چهارشنبه سحر دهم شهر مذکور در ساعت پنج لیبیک حق را اجابت گفت جمعی در باغان مشغول تعزیه داری بودند و جناب مستطاب ... آقای حاجی میرزا مهدی سلمه الله تعالی در عین پدروی فرمود و تشریف داشتند در یوم جمعه بیستم عصری جنازه را ... و پانزده نفر و جمیع ملزومات در نهایت احترام حرکت داده حمل مشهد نمودند.

که انشاء اله به همراهی و التفات جناب مستطاب حاجی شیخ محمد تقی که چندی قبل جناب معزی الیه را خود مرحوم وصی فرار داده بود در قبر جایی که سابقاً شراکتی ساخته اند مدفون شود. آثار خیری که از مرحوم مانده به قرار تفصیل است.

باغ و ملک ... در مشهد جهت سرمزار؛ باغون آباد در مشهد جهت مصارف معینه؛ رباط درب در ... سبزواری سمت مشرق؛ کود و ... آب انبار جلو رباط که انشاء الله به اتمام .. شد؛ آب انبار بین راه باغان؛ آب انبار در قرب قلعه زید آباد و آب انباری در قریه ایزی

امید که حضرت حق جل شانہ مرحوم را بیامزد و لباس مغفرت در پوشاند خداوند وسیله سازد که اولاد مرحوم را حرکات به قاعده باشد و با یکدیگر در نفاق بر نیایند و در تماس یکدیگر بکوشند.
[هزارو] دویست وهشتاد و چهار

اعلاحضرت شهر یاری ارواح العالمین فداها به خراسان تشریف آورده در عوض خدماتی که در دولت کرده بود مورد هر گونه مراجع خسروانه گردید و نیز در تاریخ هزار و سیصد هجری پادشاه اسلام پناه را شوق زیارت امام همام _ علیه السلام _ به سر افتاده تشریف فرمای خراسان شدند. در مراجعت از سفر خراسان که جناب جلالت مآب مرحوم مؤتمن السلطنه در اردوی همایون بود و بر حسب امر مبارک اعلیحضرت شهر یاری ارواح العالمین فداها عزیمت دار الخلافه باهره داشت در مزینان فرمان مبارک شرف صدور یافته به منصب مبارک سرتیپی درجه سیم سر افراز و به ریاست سواره سبزواری برقرار گردید. در تاریخ هزار و سیصد و سه که میرزا ... آصف الدوله و والی خراسان سر کرده های جرو سبزواری در مقام نفاق و خود سری برآمده تمکین از ایالت معزی الیه نداشتند. لهذا آصف الدوله مراتب را به اولیای دولت عرض کرده دسته جات موصله ذیل را تماما به ایشان مرحمت فرموده شان و حمایل سرتیپ و بیدق از دولت عنایت شد نهایت اعتبارات را حاصل کرد در تاریخ هزار و سیصد و هشت هجری چون طایفه ضاله برکانیه یعنی از طایفه یموت گاهی در بین راه مزینان از زوار و غوافل و مترددین اسیر می کردند و در همان اوقات چند عیال و دختر از زوار طهرانی اسیر کرده بودند. بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم والا شاهزاده رکن الدوله والی و فرمان فرمای خراسان بر حسب امر مبارک اولیای دولت حاجی فرامرز خان را مامور فرمودند که سواره خود را برداشته برود در مزینان اقامت داشته تا فصل زمستان که آمدن مترددین موقوف می شود مشغول امنیت سوارق و طرق باشند. در شهر صفر المظفر حرکت کرده با سواره جمعی خود به مزینان در بیست و ششم مزبور مرحوم جناب مؤتمن السلطنه موافق تلگراف دولتی احضار به دار الخلافه شدند. در مزینان ملاقات حاصل گردید. بعد از آن که در ششم شهر ربیع الثانیه جناب مؤتمن السلطنه در دار الخلافه به رحمت ایزدی پیوست از تلگرافخانه مشهد

.. پنج حاصل گردیده چون امامقلی خان سمت ماصهرت میرزا علی رضای مستوفی خراسان داشت در هر حال همراهی و حمایت می نمود تا آن که دید کار بد رو شد در تاریخ هزار و دویست و شصت و هفت با دو نفر نوکر حرکت کرده به دار الخلافه باهره رفت در همان اوان که سه سال از جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت قدر قدرت شهر یاری ناصر دین و ملت ناصر الدین شاه قاجار _ خلد الله ملکه و سلطانه _ بر

تخت سلطنت ایران میرزا تقی خان فراهانی اتابک اعظم که از تربیت یافته گان قائم مقام مرحوم میرزا ابو القاسم بود پادشاه اسلام پناه را محرک شده سفر اصفهان تشریف برده بودند پس از اطلاع بر این فقره از نواحی طهران عطف خیال عزیمت به سوی اصفهان نمود. وقتی رسید که اردوی کیوان شکوه همایونی را قرار رجعت به دار الخلافه بود. همه جا به همراهی از او آمدند تا وارد دار الخلافه شدند. در این مدت به هیچ وجه ممکن نشده که مطالب خود را به اولیای دولت قوی شوکت باهره معروض دارد. تا بعد از چند روزی به اتفاق یحیی خان سرتیپ اجل که در خراسان جهت آشنایی داشتند خدمت میرزا تقی خان اتابک اعظم رسیده مطالب و مقاصد خود را معروض داشته در همان مجلس تمامی مهمات پذیرفته شده حکم به صدور فرمان ... جریان گردید. جبهه ترمه کشمیری به رسم خلعت مرحمت شد و پنجاه نفر سواره ابو الجمعی مرحوم مصطفی قلی خان که بر حسب ارث به امام قلی خان رسیده بود با لقب خانی و بعضی احکام دیگر به ریاست دسته جات ... مرحمت شد. در سنه هزار و دویست و شصت و هشت در هفتم شهر ربیع الاول به این مقاصد معاودت به سبزواری نمود. به فاصله چندی به مشهد مقدس مشرف شده مرحوم سرکار نواب اشرف والا شاهزاده سلطان مراد میرزا که ایالت خراسان داشتند فرمان مبارک و احکام مستطاعه را امضا فرموده در همان اوقات که هنوز کارها صورت نگرفته بود، خبر معزولی و فرستادن به فین کاشان و مامور فرمودن پادشاه اسلام پناه _ ارواح العالمین فداها _ حاجی علیخان حاجب الدوله و رفتن به کاشان و کشتن مرحوم میرزا تقی خان اتابک اعظم رسید به این جهت کارها به طوری که مکنون خواطر بود صورت نگرفت. ولی منقاد آیه شریفه که *تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ* _ یوما فیوما طریقات حاصل نموده در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و پنج هجری در پنجم شهر ذی قعدة الحرام مرحوم امامقلی خان با چند نفری به سرخس می رفت در بین راه بر جمعی از طایفه ترکمانیه دچار شده دعوی ... گردید تا عاقبت از بازچه ملک کج رفتار شربت شهادت نوشید. بعد از انقضاء یک سال زوجه مرحوم را که صبیبه میرزا علی رضای مستوفی بود، خواستگاری نموده دول مدعی روزگاری به فراغت و خوش می گذرانید. در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و شش اردوی بزرگی که مبنی بر شصت هزار نفر از سرباز و سواره عراقی و خراتی و هزاره و غیره پای اراده توپ های اژدر دهان آتش فشان و جمیع رؤسای قشون به همراهی سرکار نواب اشرف والا شاهزاده حمزه میرزا ملقب به لقب حشمت الدوله و امیر جنگ بود و ایالت خراسان داشت با جناب میرزا محمد قوام الدوله که وزارت پیشکار بود به حکم مبارک اولیای دولت جهت تنبیه و گوشمال طایفه ضاله ترکمانیه مامور به رفتن مرو شدند. در شهر صفر هزار و دویست و هفتاد و هفت از سوء تدبیر سران سپاه و ارباب نفاقی که بین ایالت و وزارت بود شصت هزار قشون پادشاه به باد فنا رفته شکست سختی واقع گردیده در آن سفر هم فرامرز خان خدمات شایان نمایان گردید مزید اعتبارات او در دولت شد. در تاریخ هزار و دویست و هشتاد و یک میرزا محمد خان سپه سالار بزرگ و تهیه و تدارک زیاد و جمعیت فراوان از طرف قرین اشرف اولیای دولت روز افزون به قصد گوشمال و تنبیه طایفه یموت ترکمانیه مامور به رفتن جرجان شد و فتح های نمایان نمود اسیر و غنیمت فراوان ارسال طهران . در اینجا معاندین مشغول تعرض امیر را بر حضرت سپه سالار ... کرده حال مشار الیه را با محمد رضا خان و عباسقلی آقای قراط که

هر یک چهل نفر سواره جمعی داشتند در معرض خطاب و عتاب و سیاست در آورده این معنی بر طبع غیور خان معزی الیه گران آمده هر قدری که حضرت سپه سالار در مقام دلجویی و استمالت برآمده فایده نکرد. خواهی نخواهی اذن سفر بیت الله الحرام خواست. در شهر شوال المعظم همان تاریخ به سبزووار آمده به قوچان رفته از سرکارنواب اشرف ارفع والا حسام السلطنه والی هم مرخصی حاصل کرده در بیست و پنجم شهر مزبور مراجعت به سبزووار کرده عازم سفر بیت الله شد. در همان (سال) در مکه معظمه جمع کثیری از حاج مبتلا به ناخوشی وبا گردیده در معرض تلف در آمدند. در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و سه که حاجی سلیمان خان به سبزووار و سلطان زاده اعظم شاهزاده جلال الدوله والی خراسان و میرزا محمد خان سپه سالار از منصب صدارت معزول و ما مور به پیشکاری سلطان زاده اعظم بود از سفر مراجعت نموده صحیحاً سالما با به سبزووار تشریف آوردند در سنه هزار و

... که طریقه همراهی و مرحمت را به انتها رساندند در عوض این مرحمت ها در شبی که نواب داوود میرزا از تلگرافخانه مشهد به حاجی آقای محمد مزینانی اطلاع خبر فوت مرحوم را داده بود و سرتیپ خان هم در مزینان بود که حاج هم به ایشان اظهار داشته و سرکار ایشان هم به ولد ارشد و عقل خود، علی محمد خان سر ملک مراتب را به مرقوم فرموده بودند. از قراری که از اشخاص خالی از غرض مسموع شد، در همان شب در ساعت پنج و شش حرکت می کند، به پشت درب بزرگ دیوانخانه یعنی اندرونی است که در معبر واقع و عالیه بسته است، می آید فریاد اشاره می نماید. کلفتها و جواری را در آن وقت شب وحشت تمام دست می دهد، که آیا چه حکایت واقع شده! کسی پشت در می آید، کیست؟ کوبنده در: منم علی محمد خان سرتیپ به حضور مبارک واجب العرض.

- چه عرض داری؟

- مژده گانی و خبر خوشی دارم.

بر حسب امر مبارک احضار به باغ بیرونی می شود. بندگان سرکار نواب اشرف ارفع امجد والا بیرون تشریف می آورند. فرمایش می فرماید که چه مژده گانی داری؟
عرض می کند که بفرمائید یک توب سرداری ترمه کشمیری تن پوش مبارک بیاورند تا عرض کنم. خلاصه بعد از مبالغه و جسارت بسیار آخر الامر عرض می کند که مؤتمن السلطنه مرد. فرمایش می شود که خدا رحمت کند نوکر بزرگ ایالت کبری بود (من ... کمال عقل بوده) باری مقصود از این ها تیپ علی محمد خان است. جوان است از او نقلی ندارد. ولی در سرکار... شریف خان دام اجاله العالی که بزرگ و رئیس اولاد می باشند و بعد از مرحوم مؤتمن السلطنه باید امید واری طایفه به ایشان باشد دو روز قبل آوردن جنازه سه شب را در بلده تشریف داشتند. عامه اهالی سبزووار را گمان این بود که توقف سرکار ایشان در بلده به واسطه این است که در یوم ورود علم عمارت مهیا فرموده نیک زن پس زن از قلعه جات متعلقه به خود و سایرین اطلاع داده به قدر پانصد نفر حاضر شوند و در نهایت احترام جنازه وارد نموده بعد از خطبه و اعتای خلعت و حمل جنازه سه روز در منزل خود نشینند. قهوه و قلیانی بدهند و مردم بیایند قاری ها تلاوت کلام الله نمایند اقلاً یک ساعتی روضه خوانی به عمل بیاید و بعد را تشریف ببرند. قضیه بر عکس

شد سه روز جنازه در مقبره مرحوم حاجی ملا هادی لنگ بود و از باغان تشریف به بلده نیاوردند. قول عقلا این است که اگر جهت ده تومان مخارج بود که زیاد بر این‌ها حق داشتند و هر گاه به ملا حظه رای مبارک بندگان حضرت ایالت کبری _روحنا فداها_ بود از همان مرحمت فرموده عمارات دار الخلافه و احترامات... محمد حسین خان معلوم بود که در حال حیات اظهار مرحمت و آقایی فرمودند دیگر در این وقت که پس از مردن است ایا رای مبارک مقتضی بر این است که هر کس رعایت احترام را به عمل بیاورد و اگر به واسطه رای مبارک... بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع والا امیر زاده اعظم روحی فداها بود از همان جواب عرایض علی محمد خان و فرمایشاتی که فرموده بودند... واقع بود. خلاصه هیچ کس سرّ این فقره را نفهمید که چه جهت داشته است. خداوند عالم بر عمر و عزت جناب مستطاب آقای حاجی میرزا بیفزاید. جهت یاد داشت قلمی شده تا... را چه شود.

تولد مرحوم مؤتمن السلطنه در تاریخ هزار و دویست و چهل و دو- مرحوم شد ۱۳۰۸ مدت حیات ۶۶ سال

و اما دنبال حال مرحوم حاجی فرامرز خان سرتیپ علیه الرحمه از آغاز الی انجام در بدو امیر آقا فرامرز یا فرامرز بیگ بود مرحوم مصطفی قلی خان ناوی عم اکرم مرحوم مشارالیه پنجاه نفر سواره داشت و او هم در همان دسته به اسم نیابت راهی می رفت تا اینکه در تاریخ هزار و دویست و شصت و دو در شهر شوال المکرم ناخوشی وبا در ولایت سبزوار بود. ولی تمام شده بود و مردمی که فرارا به کوهستان رفته بودند هر یک به محل توطن خود آمدند. مرحوم خان سر کرده از طرف اللهیار خان آصف الدوله خال مرحوم محمد شاه... که در خراسان سال ها ایالت داشت مامور به رفتن مزینان با سواره جمعی خود شد. در مزینان مبتلی به ناخوشی وبا گردیده در گذشت. جنازه مرحوم را فرامرز بیگ حرکت داده در نهایت احترام آوردند. در سر دهن باغان بر حسب وصیت خود مرحوم دفن نمودند. و اما آن مرحوم را سه پسر بود: امامقلی خان و ... علی خان و جهانقلی خان چون امام قلی خان از مادر جداگانه و این دو صغیر و از مادر دیگر بودند. دیوانیان اعلی به واسطه اکبر بودن، سوارها را به امامقلی خان دادند. دو سال را کما فی السابق با یکدیگر راهی رفتند بعد ها را در میان ... عم

تولد مرحوم در ۱۲۳۴ زمان وفات ۱۳۰۸ مدت حیات ۷۴ سال

... رئیس دفتر خراسان که جهت تفریق محاسبات سه ساله که... میرزا علی رضای مستوفی سبزواری در سنه (تر) به دار الخلافه برده بود و در میان بود ملک آقا خواسته بود ند بر حسب امر اولیای دولت وارد سبزوار شده وارد بر جناب مستطاب آقای شریعتمدار _سلمه الله_ گردیده یوم پنج شنبه حرکت نموده تشریف برد. و در یوم چهار شنبه چهارم شهر جمادی الاولی جنازه مرحوم را آورده جناب آقای حاجی میرزا مهدی که الحق سمت پدری به جمیع این طایفه و قبیله دارد و به درد مرده و زنده هر یک برخورد با لوازم تعزیه داری استقبال جنازه فرموده به مسجد جامع آورده جناب مستطاب آقای شریعتمدار هم تشریف آورده جناب ملا .. خطبه خوانده به اعطای یک طاقه شال از جانب جناب آقای حاجی میرزا مهدی .. گردیده جنازه را حرکت داده به مقبره متبر که مرحوم جناب حاجی ملا هادی _علی الله مقامه_ برده ولدان مرحوم

امان الله خان که حسین خان میر آخور و فرج الله خان باشند با بعضی از نوکرهای دیگر که حامل جنازه بودند. ماشاء الله نهایت رعایت احترام را نموده سه شب جنازه را در مقبره مزبور گذارده در سبزواری اطراق کردند. از قراری که از موثقیین مسموع شد، هر شب را در منزل یکی از رفقای سابق مهمان بوده اند. من جمله لیل جمعه را در خانه پسر مرحوم العلی مهمان بوده اند و مجلس تمام عیاری داشته اند. طلوع یوم جمعه بیستم جنازه را حرکت داده که انشاء اله برده در جوار امام همام _ علیه السلام _ در قبر جایی که خود مرحوم مبرور در حال حیات ساخته بود مدفون سازند. امید که حضرت حق جل شانته لباس مغفرت در پوشاند و کارهای معتمد السلطان آقا میرزا علی محمد رئیس دفتر خراسان هم اصلاح پذیر گردیده مورد مرحمت اعلی حضرت پادشاهی ارواح العالمین فداها گردد، که مسند عزت از این خانه واده و دود مان برچیده نشود و چراغی افروخته باشد. ولی سرّ این فقره معلوم شد که سال های سال مرحوم مبرور مؤتمن السلطنه طاب ثراها نهایت همراهی و حمایت و جانبداری را از ... حاجی فرامرز خان سر تپ فرمودند قسمی که چهار پنج سر کرده سبزواری که جده ... صاحب ... و بوره بوده اند هر یک بی پا و خانه نشین گردیده منحصر به شخص واحد فرمودند. طوری که بر کل اهالی خراسان که سهل است بر اشخاصی که به خراسان آمده اند مخفی و پوشیده نیست.

... و چهار مقدمه یاغی گری سالار در خراسان بالا گرفت و عاقبت شد آنچه شد بعد از فتح مشهد مقدس و ایالت نواب اشرف ارفع والا سلطان مراد میرزا حسام السلطنه در خراسان حاجی میرزا محمد رضا طریقه عمل استیفا پیش گرفته به همراهی برادر کهتر خود میرزا علی رضای مستوفی کل خراسان به دفتر خانه می رفت کم کم رفته رفته کارش بالا گرفته طریقات (ترقیات) کلی حاصل نمود و چند سفر به دار الخلافه باهره رفته در هر سفر اعتباراتی به هم رساند تا آن که در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و هفت در رکاب سرکار نواب اشرف ارفع امجد والا. حسام السلطنه به دار الخلافه باهره رفته در مراجعت میرزا محمد حسین پیشکار از عمل خود معزول و حاجی مستوفی منصب وزارت یافته سال های سال را از عهده عمل به طور خوبی بر آمده تا آن که در معزولی حسام السلطنه طور خوبی رفتار نکرده در تاریخ هزار و دویست و هشتاد و هشت که مجدداً ایالت خراسان یافت بعد از سه ماه ... حاجی میرزا محمدرضا را گرفته به تحریک حیدر قلی خان سهام الدوله کرد مبلغ صد هزار تومان به اسم حرم گرفته شد خلاصه چند مرتبه ... به بهانه احضار به دار الخلافه شد. و در نهایت اعتبار و مزید مرحمه اعلی حضرت شهر یاری ارواح العالمین فداها مراجعت نمود در تاریخ هزار و دویست و هشتاد و چهار که پادشاه اسلام پناه ارواح العالمین فداها به خراسان تشریف آوردند به لقب مستشار الملکی سر افراز شدند در تاریخ هزار و سیصد هجری که باز اعلیحضرت شهر یاری عزم زیارت امام همام علیه السلام فرموده در ... سرکار نواب اشرف ارفع. امجد افخم والا حضرت رکن الدوله روحی فداها والی و فرمان فرمای خراسان و جناب جلالتماب مستشار الملک پیشکاری داشتند.

در عوض خدماتی که به ظهور رسیده بود به لقب مؤتمن السلطنه نائل و سرافراز گردیدند در تاریخ هزار و سیصد و سه که ایالت خراسان را به اصف الدوله میرزا عبد الوهاب خان شیرازی مرحمت فرمودند و در تاریخ هزار و سیصد و چهار اصف الدوله معزول و فرمانفرمای ایالت یافت جناب جلالتماب مؤتمن السلطنه یک

سال حکومت کاشان و سال دیگر داخل در وزرای دار الشورای کبری بود در تاریخ هزار و سیصد و پنج مجدداً در شهر ذی حجه الحرام..... تلگرافی خبر رسید که ایالت خراسان سرکار نواب اشرف ارفع امجد افخم والا حضرت رکن الدوله روحی فداها و پیشکاری به جناب جلالت ماب آقای مؤتمن السلطنه مرحمه شد در بیست و دوم شهر محرم الحرام تشریف فرمای سبزواری شده نواب والا حاجی سهام الملک را به حکومت سبزواری برقرار فرمود و تشریف فرمای مقر ایالت شدند در تاریخ (ترکی) نواب والا حاجی سهام الملک به حکومت ولایات جام و خاف و یاخزر برقرار و سرکار نواب اشرف امجد والا امیرزاده اعظم حکومت سبزواری یافتند در همان سنه سیچان ایللی (سال ترکی) ایالت کبری ووزارت عظمی به سفر جرجان به قصد گوشمال طایفه ضاله یموت که یکی از طوایف هرزه ترکمانیه است تشریف بردند و از آنجا به این مقاصد مراجعت فرموده تا هفتم شهر ذی قعدة الحرام سنه هزار و سیصد و هفت هجری اشتغال به عمل ولایت داشتند در هشتم شهر مزبور بر حسب امر مبارک اعلیحضرت شهریارای ارواح العالمین فداها به اخبار تلگرافی جناب جلالت ماب مؤتمن السلطنه از عمل پیشکاری خراسان معزول و امر مبارک به رفتن ولایت ترشیز شد. در بیست و دوم شهر مذکور با کوبه و جلال و خدم و حشم حرکت فرموده راه ترشیز پیمودند. در هیجدهم شهر محرم الحرام سنه هزار و سیصد و شصت در یوم جمعه به اخبار تلگرافی بندگان حضرت اجل اکرم آقای امین السلطان مد ظله بر حسب امر مبارک پادشاه جم جاه اسلام پناه ارواح العالمین فداها_ احضار به دربار معدلت مدار گردیده در هفدهم شهر صفر المظفر از ترشیز حرکت نموده در یوم سه شنبه بیست و دوم شهر مذکور تشریف فرمای سبزواری شده یوم چهار شنبه توقف به عمل آمده در یوم پنج شنبه بیست و چهارم شهر مذکور حرکت به سمت دار الخلافه فرمودند. همه جا منزل به منزل تشریف برده در شانزدهم شهر ربیع الاول وارد دار الخلافه شدند. از سبزواری رجبعلی خان ولد مرحوم امان الله خان را به چاپاری فرستاده که تهیه عروسی جناب مستطاب میرزا هدایت الله وزیر دفتر دیده شود. پس از ورود به دار الخلافه به فاصله چند روزی بساط عروسی فراهم آمده در بیست و سیم شهر ربیع الاول عروسی را در همان عمارت ..بندگان حضرت ایالت کبری . روحی فداها_ آوردند در همان یوم اشرف الحاج و عمده التجار حاجی محمد جعفر تاجر خراسانی هروی حاضر بود. حرف و سخن از معجونی که در فرنگستان ساخته به ایران آورده اند که جهت قوه باه زیاد مفید است به میان آمد. استفشار فرمودند که اکنون تحصیل معجون میسر . حاج مشار الیه اظهار داشت یکی فوراً در نهایت اصرار حکم الحاج به مشار الیه شد که الانه قدری گرفته بیاور حاجی هم حرکت نموده در کمال استعجال میروود قوطی از همان حب معجون می آورد. در همان مجلس یک حب میل می فرماید. عصری نیز حبی صرف می شود در همان شب زفاف واقع شده بعد از صرف دو حب آثار اسهالی ظاهر می شود. شب را موقعه اتفاق افتاده صبحی حمام تشریف برده در آن یوم هم خدا داند که چند حب میل فرموده اند و شب دوم هم موقعه می شود. اسهال شدت کرده صبحی به حمام رفتن همان و بیرون آمدن و به اندرون رفتن و افتادن همان شد. طوری که در شبانه روزی زیاده بر پنجاه شصت مرتبه اسهال می آید در یوم چهارم و پنجم خون و کف اطلاق می شده واما اعلیحضرت شهریارای ارواح العالمین قرار بر این فرموده بودند که در خدمت پادشاه زاده اکرمالسلطنه به شیراز بروند ولی چه فایده که اجل

مهلت نداده در لیل چهارشنبه ششم شهر ربیع الثانی دار فانی را بدرود گفته به دار بقا ارتحال فرمود و از جانب پادشاه اسلام پناه ارواح العالمین فداها نهایت مرحمت و التفات در طریقه تعزیه داری به عمل آمده جنازه مرحوم مغفور را بر حسب وصیت حمل به ارض اقدس نمودند. در یوم چهارشنبه بیست و هفتم شهر ربیع الثانی معتمد السلطان میرزا علی محمد

هوالله تعالی شانہ العالی

در خاتمه کار مرحمت و غفران مآب جناب مؤتمن السلطنه طاب ثراها اینکه میرزا محمد رضا ولد مرحوم میرزا ابراهیم سبزواری در سن هفده سالگی که الله یار خان اصف الدوله در خراسان ایالت داشت به سبزواری آمده در منزل برادر والا گهر خود میرزا اسماعیل بود. در تاریخ هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری مرحوم میرزا اسماعیل صبیبه بابا خان کوه میثی را جهه خودش و صبیبه حاجی محمد حسین خیر آبادی را از ... میرزا محمد رضا عقد نمود. عروسی بسیار خوبی کرد به فاصله چهار ماه عیال خود را برداشته به مشهد مقدس برد. در تاریخ هزار و دویست و شصت و دو در شهر شوال از مشهد حرکت کرد. والده خود حاجیه عالیه خانم را برداشته به قصد زیارت بیت الله الحرام به سبزواری آمدند. محض ورود به سبزواری خبر فوت صبیبه حاجی محمد حسین با دوظفل خود که پسری و دختری بود در خیر آباد رسید بعد از میرزا اسماعیل و میرزا محمد رضا با والده شان حرکت کرده به عتبات عالیات مشرف گردیده در کربلای معلی میرزا اسماعیل مریض شده با والده اش در کربلا مانده میرزا محمد رضا با... به مکه معظمه مشرف شدند. در بیستم شهر شوال المکرم میرزا اسماعیل مرحوم شد. حاجی میرزا محمد رضا بعد از نیل مقاصد مراجعت نمودند. به فاصله چندی در تاریخ هزار و دویست و شصت.

یوم چهارشنبه ششم شهر ربیع الثانی مطابق یوت ئی ۱۳۰۰ جناب آخوند ملا حسین که مدت سی سال در سبزواری ... مراجعه بود. در یوم مزبور به رحمت حق رفت .

در شهر ذی حجه الحرام مطابق هزار و دویست و نود و هشت هجری اعلاحضرت قدر قدرت شهریارى_ ارواح العالمین له الفداه_ نواب مستطاب اشرف ارفع امجد والا شاهزاده حمزه میرزا ملقب به حشمت الدوله امیر جنگ دولت علیه ایران را مامور به دفع و ردع و گوشمال طایفهالمکریه فرمود که سرخیل آن طایفه تبه روزگار حمزه آقا باشی بود. و گروه شیخ عبید الله و در نواحی آذربایجان پای فتنه و فساد را گذارده به قسمی که اغلب دهات مسمی به ساوج بلاغ در خرابه کرده نفوس مردم در معرض هلاکت و املاک به کلی باطل و عاطل و خراب شد. در دو ... اشار سرکار نواب مستطاب اشرف امجد والا را نوبه غش عارض شد به تدبیر اطبای ایرانی معالجه شد و اطباء منع از حرکت کرده ... خواطر شریف سرکار نواب مستطاب اشرف امجد والا نیفتاد. حرکت فرموده در بین راه در میان کالسکه به رحمت ایزدی پیوست و جنازه مرحوم مبرور_ الیه الله حلال النور_ را در یوم دوشنبه بیست و چهارم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۸ وارد سبزواری نموده نواب والا شاهزاده سلطان حسین میرزا پسر مرحوم سیف الملوک میرزا همراه جنازه بودند. دو شب در سبزواری اطراق کرده یوم چهارشنبه جنازه را حمل مشهد مقدس کردند. بر حسب الامر مبارک حضرت

ایالت کبری _ روحی فداها _ نهایت احترام به عمل آمد.

هو

از آن جایی که مدبر امورات عالم حضرت حق _ جل شانهِ است و هر گاه امر غریبی اتفاق افتد باید محض عبرت للناظرین ثبت شود. من جمله در تاریخ هزار و دویست و نود و هشت هجری در غره شهر جمادی الثانی حضرت اشرف امجد والا شاهزاده رکن الدوله والی و فرمان فرمای مملکت خراسان و سیستان _ روحی فداه _ حکومت ولایت سبزواری را که مدت پنج سال سرکار نواب والا شاهزاده نیر الدوله بود. سرکار نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا میرزاده اعظم شاهزاده علی نقی میرزا که فرزند ارجمند حضرت ایالت کبری _ روحی فداها _ است مرحمه فرموده و در ششم شهر جمادی الثانی تشریف فرمای به مقر حکومت شدند و به والا میرزا علی نقی خان کاشی مستوفی هم مامور به پیشکاری بودند در نوزدهم شهر رجب المرجب به مخبره تلگرافی اطلاع دادند که جناب اجل افخم سپهسالار اعظم والی و فرمان فرمای خراسان شدند. به اضافه تولیت جلیله آستانه مقدسه در نیمه شهر شعبان المعظم سرکار نواب مستطاب والا امیر زاده اعظم از سبزواری حرکت فرموده به سمت دار الخلافه باهره تشریف بردند. در شاهرود با جناب اجل اشرف سپهسالار اعظم ملاقات حاصل نموده به عنوان حکومت سبزواری سرکار والا امیر زاده اعظم را با عیال و کلیف رجعت داده به همراهی خود در غره شهر رمضان المبارک وارد سبزواری کرده از این طرف هم بعد از یک روز ... حضرت مستطاب والا شاهزاده رکن الدوله _ روحی فداها _ از مشهد مقدس وارد سبزواری شدند. در باب حکومت سرکار والا امیرزاده اعظم گفتگویی نموده رای مبارک ایالت کبری قرار به گذاشتن سرکار والا امیرزاده اعظم را در سبزواری نگرفت. و در یوم چهارم شهر رمضان المبارک سرکار نواب والا شاهزاده عضد الدوله خلعت حکومت پوشیده مشغول حکم رانی شد و جناب اجل اشرف به سمت مشهد و حضرت والا ایالت کبری با سرکار والا امیرزاده اعظم به طرف دار الخلافه حرکت فرموده تشریف بردند.

سرکار والا شاهزاده عضد الدوله اذن زیارت امام همام _ علیه الاف التحیه و السلام _ خواسته یوم سه شنبه هفدهم شهر ذی حجه الحرام عازم ارض طیبه بود. مال حاضر نموده بنه و اسباب در حرکت داد. از اطاق حرکت فرموده در درب اطاق یک پا چکمه پوشیده پای دیگر را خواست بپوشد، که غلام تلگرافخانه مبارک در رسید و صورت تلگرافی که از نواب والا شاهزاده نیر الدوله که نایب الایاله بود رسید به این مضمون که:

"خدمت سرکار نواب والا شاهزاده عضد الدوله جناب اجل مرحوم شد شما اگر از سبزواری حرکت نکرده اید که آمدن مشهد را موقوف بدارید و اگر در بین راه هم باشید مراجعت به سبزواری فرمائید"

نیر الدوله

و بعد از سه چهار روز تلگراف حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع افخم والا شاهزاده رکن الدوله _ روحی فداها _ جهت جناب جلالت مآب اجل اکرم آقای مستشار الملک _ مد ظله العالی _ و سرکار والا شاهزاده

نیر الدوله رسید و امور مملکتی و تولیت آستانه مقدسه را به جناب جلالت مآب و سرکار نواب والا تعویض فرموده بودند و در بیست و دوم شهر محرم الحرام ۱۲۹۹ موکب مسعود والا ایالت کبری _روحی فداها_ نزول اجلال به سبزواری فرمود و سرکار نواب والا امیرزاده اعظم را در سبزواری گذارده تشریف بردند در یازدهم شهر ربیع الثانی سرکار خان میرزا سلمان مستوفی و به پیشکاری به سبزواری تشریف آورده مشغول جمع آوری مالیات و نظم امور ولایتی بودند. در یوم پنج شنبه چهاردهم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۰ حضرت مستطاب والا ایالت عظمی _روحی فداها_ سرکار نواب والا امیرزاده اعظم تلگراف فرموده بودند که بر حسب الامر اغلب حضرت شهریار _ارواح العالمین له الفداء_ احضار به دار الخلافه شدیم و شما زودتر حرکت کرده بروید و در همان روز جناب آقای مستشار الملک تلگرافی به حاجی فرامرزی خان به این مضمون فرموده بودند که اعلا حضرت همایونی _ارواح العالمین له الفداء_ ایالت و تولیت جلیله و امورات قشون خراسان را به سرکار نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا حسام السلطنه روحی فداها مرحمه فرموده اند و سرکار والا هم تا هنگام تشریف فرمایی به خراسان به من سپرده اند و شما با عالیان میرزا سلمان مشغول امورات سبزواری باشید. و در همان لیل جمعه یازدهم حاجی فرامرزی خان از باغان به شهر آمدند دو سه روزی مشغول رسیده گی کارهای ولایتی بودند. که تلگراف آمیزی از طرف بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا حسام السلطنه جهت ... میرزا سلمان مستوفی و پیشکار رسید و حاجی فرامرزی خان از سبزواری حرکت نموده ساعاتی رفت و در یوم پنج شنبه بیست و یکم شهر ربیع الثانی سرکار نواب مستطاب والا امیرزاده اعظم حرکت فرموده تشریف بردند و در روز بیست و چهارم شهر مزبور حضرت والا ایالت کبری در مشهد حرکت فرموده یوم شنبه ... شهر مزبور از نیشابور تلگراف فرمودند که دیوانخانه حکومتی را صفا داده حمام حکومتی را گرم کنند که یوم سه شنبه وارد سبزواری خواهیم شد لیل سه شنبه را تشریف فرمای به زعفرانی شدند. که یوم سه شنبه را به سبزواری تشریف بیاورند. یوم دوشنبه دو ساعت به غروب از دار الخلافه باهره نواب والا حبیب الله میرزا رئیس تلگرافخانه مبارک به سبزواری احضار به پای دستگاه کردند و اطلاع دادند که سرکار نواب مستطاب والا رکن الدوله در هر نقطه ای که هستند توقف فرماید تا خبر ثانی برسد. در همان بین دست خط مبارک اعلی حضرت شهریار ارواح العالمین له الفداء را تلگراف کردند که _ رکن الدوله_ ما شما را جهت فرستادن پیشکار احضار کردیم و ایالت خراسان را به حسام السلطنه دادیم اکنون را که حسام السلطنه لیبیک حق را اجابت کرد و به جوار رحمت ایزدی پیوست شما در هر کجا که هستید مراجعت به مقر ایالت خود بنمائید نواب حبیب الله میرزا به محض اینکه مطالب تلگرافی را گرفت فوراً سوار شده دو ساعت به غروب از بلده بیرون شده به زعفرانی رفت و در سه ساعتی از لیل سه شنبه گذشته در منزل میرزا سلمان عالیان اسماعیل خان ناظر و حاجی خانلر خان یاور هم در سلطان آباد آمده خاطر ... که آدم رئیس پست خانه آمد و مشهدی اسماعیل را احضار نمود پس از ساعتی آمد مطلبی در گوش خان میرزا سلمان گفت و ایشان هم فوراً عریضه نوشته یک نفر غلام حاضر شد پاکت را داده که معجلاً به حضور در زعفرانی برساند و اما نواب والا حبیب الله میرزا در سه ساعت شرفیابی حاصل کرده و هر گونه عریاض را نمود. یوم سه شنبه دو ساعت از روز گذشته مراجعت به بلده

نمود از راه سواره منزل آقا میرزا سلمان آمدند و را جهت معزی الیه آورد که اظهار مرحمت‌های زیاد فرموده بودند. و امر مبارک شده بود که در سبزواری تلگراف نمایند که سرکار نواب اشرف والا امیرزاده اعظم در هر کجا که هست مراجعت به سبزواری نماید و بر حسب الامر مبارک فوراً صورت تلگراف نوشته شد در شاهرود و دامغان که تشریف نداشتند معلوم شد که در سمنان تشریف دارند. علی الحساب را تا کنون که لیل جمعه ششم شهر جمادی الاولی است نه خبر تلگراف سرکار والا امیرزاده اعظم رسید و نه خبر ورود موکب مسعود ایالت کبری به ارض اقدس اقدس بعد ها هر چه شود نوشته خواهد شد.

در یوم شنبه چهاردهم شهر جمادی الاول بندگان حضرت ایالت کبری _روحی فداها_ از ارض اقدس به میان دشت سرکار نواب اشرف والا امیرزاده اعظم تلگراف فرموده بودند که حکومت سبزواری و نیشابور تبدیل شد. به این معنی که سرکار نواب مستطاب والا نیرالدوله حاکم سبزواری و سرکار نواب مستطاب والا امیرزاده اعظم حکمران نیشابور باشد. بعدها هر چه واقع شد نوشته خواهد شد. سرکار نواب مستطاب والا امیرزاده اعظم یوم چهارشنبه هجدهم شهر جمادی الاول وارد سبزواری شدند و سه شب در باغ آقا محمد اسماعیل مهدی مشهور به باغ حاجی سلمان توقف فرموده یوم شنبه ۲۱ حرکت نموده به نیشابور تشریف بردند.

در یوم سه شنبه ۲۴ شهر جمادی الاول سرکار نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده نیرالدوله _روحی فداها_ تشریف آوردند و در همین یوم خان میرزا سلمان مستوفی و پیشکار حرکت کرده بر مقبره مرحوم حاجی ملا هادی اعلی الله مقامه رفتند و صبح چهارشنبه ۲۵ به سمت مشهد مقدس تشریف بردند. در یوم یکشنبه ۲۹ شهر جمادی الولی جنازه مرحوم میرور مغفور رضوان جایگاه نواب اشرف امجد ارفع افخم والا شاهزاده حسام السلطنه اعلی الله مقامه را آوردند سرکار نواب اشرف امجد والا شاهزاده نیرالدوله حکمران ولایت سبزواری استقبال تا مزار خسرو جرد تشریف بردند و جنازه را به مسجد آورده جناب مستطاب آقای شریعتمدار مد ظله العالی هم در مسجد حضور داشتند. جناب اشرف خطبه خواندند و طاقه شالی به رسم خلعت به معزی الیه داده شد و جنازه را حرکت داده به مقبره مرحوم حاجی ملا هادی _اعلی الله مقامه_ بردند. صرف قهوه و قلیانی کرده سرکار نواب اشرف والا مراجعت به مشهد فرمودند و قرار بود که یوم دوشنبه علی الطلوع جنازه را حرکت داده به مشهد مقدس ببرند. چرا که سال‌های سال است که در ارض طیبه قبر جا جهت خود ساخته بودند و محمد علی خان ناظر به همراه جنازه از دار الخلافه آمده است.

بی تاریخ فوتش جستم از پیر خرد گفتا
 غش آمد در قلوب عارفان سال وفات او ۱۳۰۰
 و همچنین ماده تاریخ دیگر ساخته شده
 سلطان مراد و والی شرق
 عم شه و هم حسام چون برق
 تاریخ وفاتش ار بجویی

در رحمت ایزدی شده غرق

چون مدت چهار ماه در جناب جلالت مآب اجل آقا ابراهیم ابلق السلطان مبتلا به مرض سل بود بعد از اینکه اراده مبارک اعلی حضرت همایونی _ ارواح العالمین فداها_ در سال هزار و سیصد هجری مطابق لوی ثیلی ترکی قرار به تشریف فرمایی خراسان قرار گرفت. در چهارم شهر شوال از دار الخلافه باهره به قصد زیارت امام همام _ علیه السلام_ حرکت فرمود جناب جلالت مآب امین السلطان را هم در رکاب مبارک آمده در بسطام که محل تشریف فرمایی موبک مسعود همایونی _ ارواح العالمین له الفداء_ از راه بجنورد و قوچان شد حکیم طولوزان به خاک پای مبارک عرض نمود که مرض امین السلطان شدت کرده و قطع بر تلف او هم است. لهذا از راه سبزواری برود از بسطام از اردوی کیوان شکوه جدا شده سرکار نواب اشرف ارفع والا امیر زاده اعظم شاهزاده سلطان حسین میرزا مراتب را به سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهزاده نیر الدوله که حکمران ولایت سبزواری بود تلگراف نمود. سرکار والا روحی فداها هم لیل سه شنبه چهارم شهر رمضان المبارک به قصد استقبال و پذیرایی حرکت فرمودند. در داورزن ملاقات جناب جلالتمآب آقای امین السلطان واقع شد به ملاحظه بد حالی سه چهار روزی در منزل مزبور توقف فرمود لیل دوشنبه هفدهم شهر رمضان المبارک به رحمت ایزدی پیوست و جنازه مرحوم را در یوم سه شنبه هجدهم با سرکار اشرف امجد ارفع والا شاهزاده نیر الدوله _ روحی فداها_ در نهایت اعزاء و احترام وارد سبزواری کردند و در مقبره مرحوم حاجی ملاحادی اعلی الله مقامه لیل چهار شنبه نوزدهم جنازه را حرکت داده به مشهد مقدس بردند. جهت یادگار قلمی شد. فی شهر رمضان المبارک ۱۳۰۰ . در مسجد جامع خطبه خوانی به عمل آمد جناب شریعتمدار سلمه الله تعالی نماز خواندند.

در تاریخ لوی ثیلی ترکی و هزار و سیصد هجری در هشتم شهر شوال المعظم موبک مسعود مبارک اعلی حضرت اقدس شهر یاری _ ارواح العالمین فداها_ از دار الخلافه باهره حرکت فرموده از راه نردین و در جز و بجنورد و قوچان تشریف آورده در دوازدهم شهر شوال المکرم به ارض قرص قرین شرفیابی حاصل فرموده از دم بیمار خانه پیاده گردیده به آستان بوس حضرت رضا _ علیه آلاف التحية و الثناء_ مشرف شدند و تا غره شهر ذی قعدة الحرام توقف داشتند. در غره شهر مزبور حرکت فرموده یوم پنج شنبه دهم شهر مزبور نزول اجلال به سبزواری شد. یوم جمعه یازدهم بر حسب الامر مبارک ظهری جناب مستطاب آقای شریعتمدار _ سلمه الله_ و جنابان آقای حاجی میرزا محمد علی و آقای حاجی میرزا عبد الکریم و آقای حاجی میرزا مهدی و آقای حاجی میرزا (بابا) و حاجی سید محمد علی کوه مشی و میرزا عبد الاعلی قاضی و شیخ الاسلام به حضور مبارک رفته به فاصله نیم ساعت مرخص کرده اعیان والا شاهزاده حبیب الله میرزا رئیس تلگرافخانه مبارکه سبزواری و جناب میرزا اسماعیل حافظ الصحه میرزا محمد حسن میرزا محمد ابراهیم منشی باشی و آقا حسین کلاتر شرفیاب شدند بعد از مرخصی از حضور مبارک بر حسب الامر همایونی اول عکس جناب مستطاب آقای شریعتمدار _ سلمه الله_ جناب آقای حاجی میرزا محمد علی و... سید محمد علی را گرفتند و بعد ها دربنده در گاه در گرفتند لیل شنبه دستخط مبارک شرف صدور یافت که جناب جلالتمآب آقای مؤتمن السلطنه در رکاب مبارک به دار الخلافه بروند.

یوم شنبه حرکت اردوی کیوان شکوه شد. اقل بنده درگاه و اقا میرزا محمد ابراهیم و میرزا محمد حسن و کلانتر و سایر چاکران در رکاب سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده نیر الدوله حکمران ولایت سبزواری تا مینان رفتیم. در مینان یک ... اسب معروف به اسب ببر از اسب‌های خاصه ... جلالت مآب مؤتمن السلطنه مرحمه شد و در نهایت خوبی و مراحم بندگان به دار الخلافه تشریف بردند و در این مدت بذل مرحمت‌های زیاد شد و هر گونه اخبار می‌رسید. تا یوم یکشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول کاغذی از دار الخلافه جناب افتخار الحاج حاجی محمد جعفر باقر خراسانی نوشته بودند که در نهم شهر ربیع الاول جناب جلالت مآب اجل آقای مؤتمن السلطنه حرکت فرموده اند. از تلگرافخانه مبارکه سؤال شد، جواب دادند که دوشنبه یازدهم وارد سمنان شدند. تا بعد ها هر چه شود نوشته خواهد شد. در دوشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الاول وارد بلده سرقلبه شدند. و.... و..... به ارض اقدس مشرف گردیده در بیستم شهر شوال المعظم ۱۳۰۱ باز مجدداً به اخبار تلگرافی احضار به دار الخلافه باهره شدند که در بیست و هشتم شهر مزبور تشریف فرمای باغان گردیده دو نهار مهمان الخاقان ... حاجی فرامر خان سرتیپ بودند در غره شهر رمضان از بلده حرکت فرموده و در نوزدهم وارد دار الخلافه شدند. در بیستم شهر رمضان اخبار تلگرافی رسید که سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده رکن الدوله _ روحی فداها _ معزول و جناب مستطاب اشرف امجد افخم اصف الدوله _ مد ظله العالی _

(یوم چهارشنبه دهم شهر ربیع الثانی سرکار نواب اشرف والا شاهزاده حاجی سهام الملک از مشهد تشریف آوردند لیل پنجشنبه و جمعه را در منزل جناب آقای حاجی میرزا عبد الکریم تشریف داشته یوم جمعه حرکت به دار الخلافه فرمودند.)

والی و فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان به اضافه تولیت جلیله آستانه مقدسه شدند در یوم سه شنبه بیست و هفتم شهر شوال المکرم وارد بلده سبزواری شدند در یوم سه شنبه بیستم شهر مزبور میرزا سلمان مستوفی با ... خان میرزا موسی مستوفی به عزم دار الخلافه به سبزواری تشریف آوردند و در چهارشنبه حرکت فرموده در عباس آباد خدمت حضرت رسیده طور خوبی از کار در نیامده و شب را با عیال و اطفال حرکت کرده به مال دشت رفته بودند حضرت ... هم عالیان محمد رضا خان سرکرده مامور ... خان سلمان مستوفی را مراجعت داده آمدند. تا خدا چه خواهد. اما میرزا موسی هم کویی مریض شده در صد خرو مانده در باب رفتن و مراجعت عریضه عرض کرده محمد باقر بیگ آورد. تا جواب چه شود و از قراریکه خیر الحاج حاجی محمد جعفر نوشته بود، جناب جلالت مآب اجل اکرم آقای مؤتمن السلطنه مامور به ممیزی قم و ساوه و کاشان شدند و بعد از دو روز حکومت کاشان در مرحمه فرموده اند میرزا علی خان و محمد حسین میرزای قیبراتی در نیابت فرستاده اند و خود جناب جلالت مآب آقای مؤتمن السلطنه مشغول ممیزی قم و کاشان می‌باشند. در یوم سه شنبه بیست و هفتم شهر شوال جناب جلالت مآب اجل اعظم افخم حضرت اصف الدوله _ مد ظله العالی _ تشریف فرمای سبزواری شده در باغ جناب مستطاب آقای شریعتمدار _ سلمه الله _ منزل فرمودند در یوم پنجشنبه ۲۹ شهر مزبور حضرت مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده رکن الدوله _ روحی فداها _ هم تشریف آوردند. سرکار نواب اشرف امجد ارفع والا امیر زاده اعظم

در باغ خیر الحاج حاجی سلیمان منزل فرمودند. خلاصه حضرت لیل جمعه و عطیق یوم شنبه عصری حرکت فرمودند. در مدت یکسال و نیم در خراسان مشغول بود و همواره هزار گونه حرف در مشهد للباب علمای عامه و رعایا حاصل بود و همه روزه مردم شورش

هو ۱۳۰۴) در یوم یکشنبه هفتم شهر ربیع الثانی به اتفاق نور چشمی محمد شفیع در بلده بیرون شهره به خیر آباد رفته دو شب توقف نموده یوم سه شنبه چه تقسیم اراضی رباط به آن جا رفته جناب مستطاب گاهی آقای حاجی میرزا مهدی _ سلمه الله _ هم تشریف آوردند جمیع مالکین بودند لیل شنبه سیزدهم شهر مزبور که پانزده روز از جدی گذشته بود باد برفی شد لیل دوشنبه و سه شنبه هم کم کم برف بارید الحمدلله اراضی به طور دلخواه همه قسمت شد روز پنج شنبه هجدهم مراجعت کردیم لیل شنبه بیستم برف بارید یوم مزبور هم قدری بارید یکشنبه اکنون که ساعت پنج از شب گذشته می بارد.)

داشتند آخر الامر در یوم یکشنبه نهم شهر جمادی الاولی ۱۳۰۳ به اخبار تلگرافی اولیای دولت قاهره از دار الخلافه باهره سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نیر الدوله حکمران ولایت سبزواری را مامور به تشریف بردن مشهد مقدس فرمودند. در همان یوم حرکت نموده تشریف بردند. مدت هفده روز هیچ خبری نبود تا در یوم پنج شنبه بیست و هفتم شهر جمادی الاولی از مشهد مقدس سرکار نواب اشرف والا تلگرافی به این مضمون فرموده بودند:

"نور چشمی ابراهیم خان نیابت کل خراسان مفوض به من شد به وصول تلگراف منشی باشی را مال و خرجی داده معجلا روانه نمائید که دو روزه برسد و حسین خان تاجر شاهزاده حاتم را حرکت داده بیاورد در همان یوم پنج شنبه بیست و هفتم آقا محمد ابراهیم منشی باشی مقارن به غروب حرکت نموده رفت تا آسمان چه بازی نماید و از پرده غیب چه در آید روز دیگر که جمعه بیست و هشتم باشد سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نیر الدوله به ... خان میرزا اسماعیل رئیس تلگرافخانه مبارکه سبزواری به اخبار تلگرافی اطلاع داده بودند که حضرت اجل اصف الدوله از ایالت خراسان و سیستان معزول و جناب جلالت ماب ناصر الدوله که وزیر دول خارجه بود بر ایالت برقرار شدند که معلوم نیست که کی حرکت خواهند فرمود. چون در بیست و هفتم شهر جمادی الاولی سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نصرت الدوله فیروز میرزا که ملقب به فرمان فرما بود به رحمت حق رفت و لقب فرمان فرمایی را به حضرت اجل ناصر الملک والی خراسان مرحمت فرمودند.

بندگان حضرت اجل اکرم اصف الدوله یوم شنبه عصری به عزم طواف روضه رضویه و زیارت امام همام - علیه آلاف التحية والسلام - مشرف گردیده از ایوان طلای صحن عطیق حرکت فرموده در پایین خیابان سوار شده تشریف فرمای طرق شدند دوشنبه قرار توقف در طرق بود که بعد از حرکت فرمود در نهایت احترام و اجلال به دار الخلافه باهره تشریف ببرند. قرار بر این است که عید سلطانی را به خیریت و مبارکی در سبزواری تشریف داشته باشند. از باب کثرت برف و باران حرکت ممکن نشده دو سه روزی در طرق اطراق فرموده یوم پنج شنبه هجدهم شهر جمادی الاولی تشریف فرمای سبزواری شده دوشب توقف فرموده یوم شنبه در حرکت به سمت دار الخلافه باهره فرمودند ... میرزا سلمان مستوفی دیوان اعلی که در

تاریخ ایت ایلی ... در حکومت سرکار نواب اشرف والا امیرزاده علینقی میرزا پسر سرکار نواب اشرف ارفع افخم والا شاهزاده رکن الدوله فرمان فرمای خراسان مامور به پیشکاری سبزواری بودند. بر حسب الامر مبارک اقدس همایونی ارواح العالمین له الفداء به پیشکاری خراسان برقرار شدند و خود ایشان شرحی به ... حاجی فرامرز خان سرتیپ نوشته بودند ولی هنوز حرکت ایالت جدید و وزارت از دار الخلافه معلوم نیست افواها مسموع می شود. که جناب جلالت ماب آقای مؤتمن السلطنه مد ظله العالی قرار حکومت ... و قزوین دارند. تا خداوند چه خواهد. در پنجم شهر رجب المرجب ایالت جدید از دار الخلافه حرکت فرموده یوم دوشنبه یک ساعت به غروب آفتاب... حضرت مستطاب صدر اعظم به جوار رحمت پیوست یوم پنج شنبه هفدهم شهر رجب المرجب در خدمت ... حاجی فرامرز خان سرتیپ به عزم استقبال از بلده حرکت نموده لیل جمعه در ... لیل شنبه در مهر، لیل یکشنبه وارد مزینان شدیم چهار شب در مزینان توقف کرده یوم سه شنبه بیست و دوم سرکار ... خان میرزا محمد حسین مستوفی هرات تشریف آوردند. یوم چهار شنبه بیست و پنجم بندگان حضرت اجل فرمان فرما _ روحی فداها _ تشریف فرمای مزینان شدند. در کاهه شرفیابی حاصل آمد لیل پنج شنبه و جمعه در مزینان اطراق بود. یوم جمعه حرکت فرموده لیل شنبه در صدخرو، لیل یکشنبه ریود، یوم یکشنبه نزول اجلال به بلده فرمودند. لیل دوشنبه و سه شنبه و چهار شنبه و پنج شنبه در سبزواری اطراق فرموده یوم پنج شنبه حرکت کرده به زعفرانی تشریف بردند. در یوم چهار شنبه غره شهر شوال قصه [ای] اتفاق افتاد که امکان بدرقه رفتن نشد. در یوم چهارشنبه سیزدهم شهر رمضان المبارک بندگان حضرت اشرف ارفع والا شاهزاده نیر الدوله حکمران سبزواری و جوین و اسفراین و بام وصفی آباد و ربع شامات روحی فداها به خیریت و سلامتی تشریف فرمای آزاد منجیر شده یوم پنج شنبه چهاردهم نزول اجلال به مقر حکومتی شدند. ولایات حکومتی مزبور به اشخاص مفصله مرحمة شد: ولایت جوین ... محمد ابراهیم خان سردار، اسفراین سرکار نواب والا امیرزاده حسینعلی میرزا، ولایت بام، صفی آباد عالیان غلامرضا خان پسر مرحوم محمود خان، ربع شامات آقا لطفعلی بیک.

خلاصه هر یک در مقر حکومتی خود مشغول خدمتگذاری می باشند ... العلیه میرزا محمد ابراهیم منشی باشی جهت اصلاح کار محراب خان به اسفراین رفت نتیجه بر عکس شد مراجعت به بلده نمود در نقاب که یکی از قلعه جات جوین است رسید که خبر شورش اهالی جوین رسید بر حسب الامر مبارک رفت که مردم آن جا را آرام نماید تا چه شود در یوم شنبه بیست و یکم شهر شوال المکرم چهار نفر از ... مشهدی که آشوب عظیمی در مشهد مقدس کرده و به هیچ وجه احدی در ممکن گرفتن آنها نبوده از مشهد حرکت کرده از راه سبزواری ... می آمده اند.

در ایزی بعضی شرارت ها کرده بودند به دست کلیدر محمد مفلوک و جهانگیر بیک غلام مافنگی و محمد تقی بیک پسر آقا ابراهیم که جوان است و کار ندیده گرفتار شدند. به این معنی که ... حاجی فرامرز خان سرتیپ آنها را گرفت و معلوم شد که اسماعیل مشهور به هفت رنگ و یوسف برادر او و کربلایی قربان پدر آنها بوده است و یکی فرار نمود به دست نیامد. مراتب به مشهد تلگراف و ... پست عریضه شد. از طرف قرین اشرف بندگان حضرت اجل فرمان فرما _ روحی فداها _ نهایت اظهار مرحمت در حق ... سرتیپ خان

به عمل آمد و همچنین به دار الخلافه باهره طهران هم عریضه و تلگراف به حضور مبارک بندگان حضرت اجل افخم آقای امین السلطان وزیر دربار اعظم روحی فداه شده تا چه حکم صادر شود. علی الحال هر سه نفر در حبس حکومتی می باشند.

در یوم جمعه بیست و هفتم شهر شوال چهل و هفت دقیقه به طلوع آفتاب زلزله سختی شد که کمتر کسی را به این شدت به خواطر میرسد. از قراری که مسموع شد در حارت آباد شدیدتر بوده قسمی خانه های خشت و گلی خراب شده و دختری هم به سن هفت هشت ساله تلف شده در کنار کال شور زمین ها شق شق شده که از شکاف زمین ها آب جاری شده است. هنوز از جاهای دیگر که خبر نرسیده است. چون مراتب گرفتاری الواطهای کنار پارک اعلی حضرت شهرداری تلگراف شده بود. حکم رسید که اسماعیل هفت رنگ را سر بریده شقه کرده نصفی را بر دروازه نیشابور و نصفی بر دروازه عراق آویزان کردند که عبرت دیگران شود.

و اما بعد از شورش اهالی جوین و مخالفت ... محمد ابراهیم خان سردار در همان حین میرزا محمد ابراهیم منشی باشی در نقاب بود مامور به رفتن جوین شد. مدتی طریقه منازعه بود تا آن که از جانب حضرت ایالت حکم شد که ... حاجی فرامرز خان سرتیپ برود و محمد ابراهیم خان را در سبزواری بیاورد. رفت و آورد. حکومت و کار گذاری جوین مسلم به میرزا محمد ابراهیم منشی باشی گردید. علی الحال دیگر که تا یک چهارم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۴ است بد طوری حرکت نکرده است. از آن جایکه مردمان جوین خوش اول و بد آخر می باشند تا معلوم شود که در آخر کار چه قسم خواهد شد. در نوزدهم شهر صفر المظفر خان بی بی صیبه مرضیه سرکار ... حاجی فرامرز خان سرتیپ دنیای فانی را بدرود گفته به رحمت حق رفت جنازه را به مشهد بردند. تعزیه داری کاملی به عمل آمد در شانزدهم شهر ربیع الاول عالیان اکبر خان را درد گلوی شدیدی عارض شده به بلده آمده میرزا ... طبیب رفته بود در همان بین سرسام سخت گردیده آقا محمد شفیع نهایت مراقبت را نموده ولی حسن بک نایب عریضه بدی نوشته بود الحمدلله مقارن همان محمد شفیع تلگراف خوبی کرده خیلی با فایده بود در بیست و نهم شهر مزبور از مشهد حرکت فرموده یوم پنج شنبه یعنی لیل جمعه بیست و هفتم وارد باغان شدند در یوم یکشنبه هفتم شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۰۴ جهت تقسیم اراضی رباط سر پوشند و ... دوسه سال است. بین مالکین نزاع کلی بود از شهر حرکت کرده لیل دوشنبه و سه شنبه را در خیر آباد مانده یوم سه شنبه از خیر آباد بیرون شده در جلین خدمت جناب مستطاب ... آقای حاجی میرزا مهدی _ سلمه الله _ رسیده وقت مغرب جناب ایشان هم تشریف آورده مدت نه شب را در رباط توقف فرموده کمال زحمت در کشیده نهایت مرحمت در ... به مالکین فرمودند و اراضی رباط کالا به طور دلخواه و ... جمیع مالکین قسمت شد. طوری که هر یک می گفتند اراضی قسمت ما از دیگران بهتر است و الحق کار بزرگی کردند. خداوند طول عمر و ایمان کامل عنایت فرماید. چرا که احدی را این قسم در گمان نبود.

(در تاریخ هزار و سیصد و هجده هجری در اول میزان و عقرب و قوس قدری باران آمد بعد ها را تا بیست روز بعد از عید سلطان به هیچ وجه باران نیامد. در بیست روز از عید گذشته باران خوبی بارید. در یوم

پنج شنبه یازدهم محرم ۱۳۱۹ پایه سختی حرکت نمود. باران و سیل زیادی آمد. در لیل یکشنبه بیست و سوم باران بارید لیل سه شنبه ۲۵ نیز باران آمد. اگر چه در اول سال خشکی نمود ولی در ماه ... و اواخر حمل ... بهار خوبی شد.

علی کل شیعی قدیرا، عالیان ... میرزا محمد حسین ولد ... مرحوم جلت مکان میرزا ابوالقاسم مستوفی در تاریخ هزار و دویست و نود و نه هجری مبتلا به مرض صرع گردیده جهت معالجه به بقع آباد بردند. فایده نکرد. یوما فیوما مرض اشتداد یافته در لیل دو شنبه بیست و هفتم شهر جمادی الاولی سنه هزار و سیصد و چهار دو ساعت شب به رحمت ایزدی پیوست - خداوند رحمت فرماید -

چنین است رسم سرای غرور

در لیل جمعه چهاردهم شهر رجب المرجب سنه هزار و سیصد و چهار هجری مطابق ... ترکی چند باب دکان واقع در میدان سبزوار دوساعت از شب گذشته آتش گرفته سوخت. چون در دکاکین کبریت و نفت و باروت بسیار بود مشتعل گردید. سی چهل نفر سوختند. دو سه نفری مردند و باقی دیگر در دست کارگرد. حاجی محمد حسین پسر مرحوم حاجی غلام علی سنجدی هم مجروح شد. تا خدا چه خواهد. لیل چهار شنبه نوزدهم شهر رجب بحمدالله باران می بارد اکنون ساعت پنج ونیم است می بارد.

در تاریخ ۱۳۱۳ چند باب دکان در جنب کاروانسرای حاجی حسن نمد مال شب آتش گرفت و سوخت. ولی کسی تلف نشد در حکومت جناب اسد الله خان والی بازارها در چوبی بود در ... ساختند.

در بیستم ربیع الثانی ۱۳۱۵ در تیمچه درب دروازه نیشابور که مرحوم آقا ... ناوی ساخته است جمعی از اهالی سیستان ساکن بودند. شخصی بساط باروت کوبی داشته دو ساعت به غروب آفتاب آتش می افتد دوسه نفر عمه جات با اشخاصی که در نواحی ساکن بوده اند می سوزند از قراریکه مسموع شد هفده نفر تلف شدند.

بعد از آن که سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نیر الدوله از حکومت سبزوار معزول و ... سرکار نواب اشرف والا شاهزاده حاجی سهام الملک _ مد ظله العالی _ به حکومت برقرار شدند. در یوم پنج شنبه بیست و ششم شهر محرم الحرام در مقر حکمرانی جلوس فرمود. در غره شهر ربیع الاول امر مبارک به رفتن بنده به مشهد مقدس جهت تفریق محاسبات ولایت ... سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نیر الدوله شد. در دهم شهر مزبور حرکت نموده مشرف شدم. در غره شهر جمادی الاول _ الحمد لله _ به این مقاصد بعد از اتمام عمل مراجعت به سبزوار نموده مشغول خدمات بوده از آن جائیکه کلیه امورات بسته به مقدرات اله است در یوم دوشنبه دو ساعت به غروب آفتاب در منزل عالیان میرزا محمد قلی در خدمت سرکار ... حاجی فرامرز خان سرتیپ بودم که فراش آمد دستخط بندگان جناب مستاب اجل آقای مؤتمن السلطنه _ مد ظله العالی _ را آوردند مرقوم فرموده بودند که ... غلام حسین خان مستخدمه مخصوص سرکار اشرف ارفع افخم والا ایالت کبری _ روحی فداه _ از آن جایی که وجود شخص بزرگتر در میان اولاد فوز عظیم و مایه برکت است تا مدتی که مرحوم مبرور میرزا علی رضای مستوفی بزرگ که سمت پدری هر یک از طایفه داشتند در حیات بود ابواب خیر و برکت بر همه گشوده بود. بعد از مرحوم شدن ایشان به کلی وضع ما تغییر

نموده به فاصله چندی میرزا محمد کاظم ولد ایشان به رحمت حق رفت ... ترکی ۱۳۰۸ در غره شهر محرم الحرام ۱۳۰۸ ... حاجی میرزا موسی از شهر مشهد مقدس به عنوان سرکشی از املاک خود بیرون رفته در بیست و دوم شهر مزبور در یکی از قلعه جات جنب شاهین دز صبح را قدری شاه توت خورده در نهار هم پلو با ماست خورد فوراً نوبه ... عارض شده از آنجا حرکت داده از باب عدم امکان آوردن به شهر به ... آوردند روز دیگر حمل به شهر نمودند. در منزل و عمارت جدیدی که در بالا خیابان ساخته است و در ... به اتمام رسید، مفروش کرده بودند آورده تا وقتی که شعور داشت، راضی به بردن او را به تالار مفروش شده که مبادا از بابت مراد مردم به عبادت، آسیبی به روفرش‌ها برسد. چون مدهوش گردید، بردن به تالار همان و مرحوم شدن همان در حالتی که چشم‌ها را به سقف اطاق دوخته تماشای آئینه کاری‌ها می نمود. جهت یادگاری و عبرت تحریر شد. تاریخ وفات در بیست و هفتم شهر محرم ۱۳۰۸

مقدرات الهی این قسم امر فرمود که حضرت فرمانفرما در کمال اقتدار در مسند ایالت و جناب آقا میرزا سلمان در سریر وزارت متمکن بوده در یوم چهاردهم شهر ذی حجه الحرام جهت اخبار شورش مشهد رای مبارک بندگان اقدس اعلیحضرت شهرداری - ارواح العالمین - قرار گرفت که فوراً بندگان حضرت اشرف امجد ارفع والا شاهزاده رکن الدوله را جناب جلالت مآب آقای مؤتمن السلطنه ... را به ایالت و وزارت برقرار فرمود در یوم شنبه ششم شهر ذی حجه الحرام ۱۳۰۴ از دار الخلافه حرکت فرموده نقل و مکان در نجف آباد شد و در چهارم شهر محرم الحرام ۱۳۰۵ حرکت فرموده منزل به منزل تشریف می آورند.

حضرت فرمان فرما و آقا میرزا سلمان پیشکار هم یوم شنبه ششم شهر محرم وارد سبزواری شده یک شب اطراق نموده حرکت کرده رفتند. در یوم بیست و دوم شهر محرم بندگان حضرت ایالت کبری و جناب مستطاب اجل آقای مؤتمن السلطنه تشریف فرمای سبزواری شدند چهارشنبه توقف سبزواری و بعد از حرکت سرکار نواب اشرف والا شاهزاده نیر الدوله از حکومت سبزواری ... گیر و دار معزول و حکومت نیشابور برقرار و نیز سرکار نواب اشرف والا شاهزاده حاجی سهام الملک حکمران سبزواری و عمل مالیاتی محول و مرجوع به این بنده گردید. در یوم یکشنبه دهم شهر ربیع الاول ... تا سر کار نواب والا نیر الدوله را جمع کرده این بنده بر حسب امر مبارک بر داشته به مشهد مقدس برد مدت چهل روز در مشهد معطل بود کسی از طرف سرکار والا نیر الدوله نیامد. در بیست و دوم شهر ربیع الثانی میرزا بابای نیشابوری آمد اسناد را تبدیل نمود ... دیوانی دریافت کرد. در همان بیست و دوم شهر مزبور خبر فوت مرحوم فرمان فرما رسید بنده هم بعد از فراغت از عمل یوم دوشنبه دوم شهر جمادی الاول حرکت کرده یوم دوشنبه نهم شهر مزبور وارد سبزواری شدم چون در جوین شورش حاصل شده جمعی از رعایا به سبزواری آمدند. ناچار تلگرافی سرکار نواب اشرف ارفع والا حاجی سهام الملک جهت تحقیق و رسیدگی ما مور به تشریف فرمایی جوین شده یوم چهارشنبه بیست و پنجم شهر جمادی الاول حرکت فرموده ... حاجی فرامرزی خان سرتیپ هم در رکاب مبارک بود که تا چه شود.

در یوم دوشنبه دهم شهر ربیع الاول بنده درگاه استاد ما ... سرکار نواب اشرف والا نیر الدوله را للباب حال ... دریافت فرموده بودید بر حسب امر مبارک سرکار نواب اشرف ارفع حاجی سهام الملک برداشته

به مشهد بردم سی و چهار روز معطل بوده طرف حساب نیامد تا آخر الامر عالیان میرزا بابای سوقندی از نیشابور آمده اسناد را تبدیل کرده با خلعت مبارک ایالت عظاما _ روحی فداها _ یوم دوشنبه دوم شهر جمادی الاولی حرکت کرده در نهم شهر مزبور وارد سبزواری شده مشغول خدمات مرجوعه به خود بود تا این که لیل سه شنبه بیستم شهر رجب المرجب که چپار از مشهد آمد. شخصی مکتوباً نوشته بود که نواب اشرف والا حاجی سهام الملک را از سبزواری احضار فرموده اند. بر حسب امر مبارک اولیای دولت قوی شوکت ولایات ثلاثه یعنی خاف و باخرز و جام به ایشان مرحمت شده در یوم دوشنبه ششم از عید سلطانی و دوازدهم شهر رجب المرجب سرکار نواب والا شاهزاده خسرو میرزا و..... غلامحسین خان وارد شدند. و خان معزی الیه دستخطی از جناب مستطاب اجل آقای مؤتمن السلطنه به افتخار این بنده مرقوم فرمودند که حکومت ولایت سبزواری مفوض سرکار نواب اشرف والا امیر زاده اعظم روحی فدا شده و سرکار خان به نیابت حکومت بر قرار است. در یوم شنبه هیجدهم شهر رجب المرجب سرکار نواب اشرف والا حاجی سهام الملک با دونفر نوکر و نواب والا خسرو میرزا و یحیی میرزا حضرات اندرون را حرکت داده به سمت جام و خاف و باخرز تشریف بردند و این بنده هم بر حسب امر مبارک اشتغال به حواله سرکله دارم در یوم یکشنبه که روز سیزده از عید سلطانی و نوزدهم از شهر رجب است ناچار تلگرافی ... حاجی فرامرز خان سرتیپ را با سواره سبزواری احضار به فرموده اند که یوم وصول تلگراف ده روزه باید در ... حاضر باشند تا خدا چه خواهد چندی که قرار مراجعت اردوی مشهد بود خواستن سواره موقوف شد مجدداً که بر حسب امر مبارک اقدس شهر یاری حکم به رفتن از دو سمت جهت گوشمال طایفه یموت شد سواره را عاجلاً احضار فرموده در پنجم شهر رمضان المبارک حاجی فرامرز خان با سواره حرکت نموده رفت اردوی کیوان شکوه تا ۱۹ شهر ذی حجه الحرام در استر آباد بود ولی... نبود و بدی آب ناخوشی در اردو به هم رسیده همین قدر شد که دو سه را تاراج کرده اردو حرکت نمود و اما در در غره شهر شوال المکرم و نواب اشرف والا امیرزاده کوچک محمد علی میرزا و..... وارد سبزواری شدند.

و سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع والا امیر زاده اعظم حکمران روحی فداها از شاهزاده بر حسب امر مبارک به اردو تشریف بردند. در یوم نوزدهم شهر شوال المکرم مراجعت به مقر حکمرانی فرمودند. در غره شهر ربیع الاول حاجی فرامرز خان سرتیپ بساط عروسی جهت دو فرزند ارجمند خود علی محمد خان سرتیپ و علی اکبر خان فراهم آورد. به این معنی که صبیبه مرضعه ... میرزا محمد علی را جهت علی محمد خان سرتیپ و صبیبه .. آقای میرزا محمود کلانتر ولایت سبزواری جهت علی اکبر خان ده شبانه روز بساط عروسی بود. که هر شب ... از دویست نفر و روزی از قلعه جات به قدر سیصد نفر می آمدند در نهار و شام حاضر بودند و در مدت ده روز البته هزار تومان متجاوز خرج عروسی شد. در صبح الی شام چهل مطرب و دو سه رقص مشغول کار بوده در لیل نهم ختم شد و عروس ها را به خیریت و مبارکی آوردند. من جمله صد و هفتاد تومان و پنج هزار و دویست و پنجاه دینار خرج آتش بازی و شصت و هفت (ششصد هفتصد) تومان و پنج هزار انعام مطرب ها و از آن جمله سی و دو تومان به استاد داده شد. پنجاه تومان تقدیم حضور مبارک سرکار نواب اشرف امجد والا امیر زاده اعظم و بیست و هفت تومان انعام عمله جات درب

خانه جهت حق خدمات آنها دادند و صد و بیست و هفت راس گوسفند ذبح شد چهار خروار و هشتاد من برنج و صد و سی من روغن و دو خروار و شصت من قند و در آخر فصل به قدر ده خروار خربزه که خرواری چهار تومان قیمت داشت، خرج شد و به مصرف رسید الحق چنین عروسی از صد سال قبل در سبزواری که سهل است در مشهد و جاهای دیگر نه دیده شده و نه کسی یاد میدهد در ده روز ... عام بود هر کس رسید خورد و برد خداوند تبارک و تعالی مبارک فرماید و عواقب امور را به خیر فرماید. به قدر صد تومان خلعت داده شد. هر کس خدمتی می کرد بی بهره نماند. به هر یک هر یک زیاد از طمعی که داشت رسید در چهل و نه سال قبل مرحوم میرزا اسماعیل در سبزواری دو فقره عروسی کرده که یکی صبیبه مرحوم با با خان کومشی را جهت خود و صبیبه مرحوم حاجی محمد حسین را در خیر آباد جهت بلو کان حضرت مستطاب اجل اکرم آقای مؤتمن السلطنه مد ظله العالی در آن اوقات خیلی جلوه داشت. ولی تفاوت از زمین تا آسمان است. به هر جهت این دو عروسی چهار هزار تومان تمام شد. چنین کنند بزرگان چه گردد باید کار جهت یادگاری تحریر شد که انشاء الله سال های سال بماند و گفته شود که در تاریخ هزار و سیصد و شش هجری در سبزواری چنین عروسی اتفاق افتاد.

در خاتمه کار جناب غفران مآب مؤتمن السلطنه تاب ثراه در یوم یکشنبه یازدهم شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۰۷ به مخابره تلگرافی از جانب اولیای دولت ابد مدت قاهره بر حسب امر مبارک اعلیحضرت اقدس شهرداری ارواح العالمین له الفداء ... حضرت مستطاب اجل آقای مؤتمن السلطنه که مدت سه سال پیشکاری خراسان داشتند، از عمل معزول و حکم دولت به تشریف بردن ترشیز شد. در بیستم شهر مزبور از ارض اقدس حرکت فرمود تشریف فرمای تر شیز شدند. و تا بیست و پنجم شهر محرم به هیچ وجه خبری نبود در یوم جمعه بیست و هفتم تلگراف دولتی سبزواری رسیده که احضار به دار الخلافه باهره فرموده بودند. در یوم بیست و دوم شهر صفر المظفر تشریف فرمای سبزواری شده یوم بیست و چهارم را حرکت به دار الخلافه فرمودند. تا خداوند تبارک و تعالی چه خواهد و چه مقدر شده باشد. بعد از حرکت فرمودن از سبزواری که یوم پنجشنبه بیست و چهارم بود به قرار منزل به منزل تشریف بردند. یوم پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الاول وارد دار الخلافه باهره گردید. به فاصله چند روزی که گذشت لیل چهارشنبه در منزل عمده التجار آقا محمد حسین مهدی که صبیبه کر بلائی علی دلال ترک جهت ... می آورد موجود بودم جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی میرزا ابراهیم مجتهد سلمه الله تعالی تشریف آورد. استفسار فرمودند که از حیات آقای مؤتمن السلطنه چه خبر دارید. عرض کردم ورود به دار الخلافه را میرزا احمد خان منشی باشی ... حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا آقای امیر زاده اعظم حکمران ولایت سبزواری روحی فداه به عمومی خود اطلاع داده بودند. جناب مستطاب شریعتمدار سلمه الله فرمودند که خبر رسید که به حکم اولیای دولت قاهره از منزل قشلاق به بروجرد رفته اند. خلاصه این خبر که بی اصل شد ولی همان روز ورود به سبزواری که بیست و دوم بود در یوم چهارشنبه بیست و چهارم مبلغ هزار و دویست تومان للباب محصول زیره ... پارس یکی املاک سبزواری از جناب ... آقای حاجی میرزا مهتدی سلمه الله تعالی خواستند جناب معزی الیه هم صورت داده برات تجارتی گرفته برات را با بعضی ملزومات عالیان رجبعلی خان پسر

مرحوم امان الله داده و مطابق نوشته جناب مستطاب شریعتمدار _ سلمه الله تعالی _ جناب مستطاب آقا میرزا حسن آشتیانی را وکیل فرمودند که محض ورود رجب علی خان به دار الخلافه صبیبه مرضیه جناب مستطاب جلالت مآب آقامیرزا هدایت الله وزیر دختر را عقد نمایند. رجب علی خان وارد شد و عقد کردند قبل از ورود داماد عروس را به عمارات بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم والا ایالت کبری _ روحی فداه _ بردند در ورود جناب جلالت مآب آقای مؤتمن السلطنه فی الجمله نقاهتی داشتند. ولی در سبزواری تلگراف و نه به چاپاری ابداء خبری نبود تا یوم یکشنبه دهم شهر ربیع الثانی اقل بنده درگاه از منزل به قصد دیوانخانه حرکت نموده در درب منزل مرحوم میرزا عین الله جوینی که جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی میرزا حسین مجتهد _ سلمه الله _ تشریف دارند رسید. نواب والا شاهزاده نور الله میرزا برخوردند که خدمت جناب شریعتمدار آقای حاجی حسین می رفتند، فرمودند که خبر جناب مؤتمن السلطنه صدق بود چون بنده را به به هیچ وجه اطلاعی نبود به خیال آن که همان خبر رفتن بروجد خواهد بود. بی تامل فرمودند که به دکان سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع والا آقای امیر زاده اعظم جهت تحقیق خبر آدم نزد ... خان سرنیک تلگرافخانه مبارکه فرستاده اند. ایشان در جواب نوشته اند بلی _ کل شیء هالک الا وجهه _ مرحوم شده اند و اکنون ورثه را ... میراث ... حاصل است. از استماع این خبر و ... اثر معلوم است چه حالت دست می دهد چون ... آقای حاجی میرزا مهدی با جمعی در درب مسجد محله گفتگویی داشتند عرض کردم تشریف بیاورید و آوردند عرض کردم استماع فرماید که شاهزاده چه می فرمایند معزی الیه همان ... را عنوان نموده جنابان فرمودند که دیشب افواها خبری مسموع شد ولی صدق و کذب معلوم نیست. چون قریب به آمدن چاپار دولتی بود روز دیگر که دوشنبه و سه شنبه بود از ارض اقدس و از دار الخلافه نوشته بودند که هفت روز بعد از ورود کم کم همان نقاهت اشتداد کرده منجر به اسهال کبدی گردید. تا هفتم مرض قوه حرکت و مشاعر بر قرار بود بعد ... به کلی .. از حرکت افتاده مشاعر رفت و در شب یازدهم بروز مرض دار فانی را بدرود گفته به دار بقا ارتحال فرمود و در همان شب وقوع قصه ... از تلگرافخانه مبارکه دار الخلافه به تلگرافخانه مشهد مقدس اطلاع داده بودند. نواب شاهزاده داوود میرزا در تلگرافخانه مشهد مقدس به ملاحظه قرابتی که با خیر الحاج حاجی آقا محمد مزینانی دارد مراتب را به مخبره تلگرافی به مشار الیه خبر داده بود چون حاجی فرامرز خان سرتیپ از نیمه شهر صفر بر حسب حکم مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم والا ایالت کبری _ روحی فداها _ جهت حفظ ثغور و نگاهداری شوارق از طایفه ضاله ترکمانیه اقامت مزینان دارند. حاجی آقا محمد فوراً مراتب را به ایشان ... می نماید و ایشان هم ... را به فرزند ارجمند .. خود علی محمد خان سربیک می نگارد. از قرار که اولاً از غلامحسین خان نایب الحکومه سبزواری که محض احوال بررسی بنده تشریف آورده بودند و ... اجزای حکومتی مسموع گردید. در همان شب که کاغذ سرکار سرتیپ به سرنیک می رسد در ساعت چهار و پنج حرکت نموده عقب درب بزرگ دیوانخانه که درب اندرونی واقع در ممر عام است که غالباً آن در بسته است، آمده دق الباب می نماید کلفت ها را وحشت تمام دست می دهد. که در این وقت شب چه موقع کوبیدن درب غیر متعارف خواهد بود. کسی از جواری عقب در می آید که کوبنده در کیست جواب می دهد منم سرنیک این

سرتیپ و مؤذگانی بزرگی جهت بندگان سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع امجد والا دارم هر چه اصرار می نماید که خبر خود را بگو جواب می دهد که باید حضوراً معروض دارم بر حسب امر مبارک احضار به درب سمت باغ که بیرونی است می شود.

پس از شرفیاب شدن حضور مبارک مستدعی می شود که بفرمائید یک توپ سرداری ترمه کشمیری تن پوش مبارک بیاورند تا زینت دوش خود نموده خبر خوش که بالاتر از آن متصور نمی شود عرض نمایم فرمایش مبارک بر این می شود که بذل و مرحمت خلعت در خور و اندازه خبر است. عرض کن شاید استحقاق بهتر از سرداری داشته باشی.

خلاصه بعد از آن که اصرار و مبالغه را از حد و اندازه می گذراند و نزدیک به ثمر مزاج مبارک می شود آن وقت در نهایت بشاشت و مسرت عرض می کند که مؤتمن السلطنه مرحوم شد. فرمایش مبارک می شود که خدا رحمت کند نوکر بزرگ دولت و ایالت بود. من کمال شعوری در حق تو داشتیم این چه خبر و اصرار بی معنی بود.

باری و با وصف آن که بندگان سرکار مالک رقاب به طور آقایی و بزرگی وارد فرمودند مع هذا ابدا ملتفت نشده اصراری در عرض خود داشته است. خداوند عواقب امور را به خیر فرماید. فاعتبروا یا اولی الابصار_ تا اکنون که لیل جمعه پانزدهم شهر ربیع الثانی است ... اخبار دیگر بروز نکرده من بعد را هر چه چرخ گردش نماید و آسمان کج رفتار بازی نماید و از پرده غیب در برآید مفصلاً در صفحه دیگر سمت تحریر و نگارش خواهد یافت که موجب عبرت ماها شود اکنون را طلب مغفرت باید نمود.

بعد از وقوع قضیه هایله که در ارض اقدس بر حسب امر بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع و الله ایالت کبری _روحنا فداها_ آیین و رسوم تعزیه داری در آستانه مقدسه امام همام -علیه آلاف التحیه و السلام- به عمل آمد چون حساب سه ساله مالیات خراسان (سال های ترکی) در میان بود و ... خان میرزا علی رضای مستوفی سبزواری را جهت گذراندن محاسبات دیوانی به دار الخلافه باهره فرستاده بودند و به هیچ وجه تفریح حساب نشده بود از جانب اولیای دولت ابد مدت به مخابره تلگراف های مرحمت امیر و کمال امیدواری ... خان معتمد السلطان آقا میرزا علی محمد رئیس دفتر خراسان را عاجلاً احضار به دار الخلافه فرموده در یوم چهارشنبه بیست و هفتم شهر ربیع الثانی وارد سبزواری شده شب را در منزل جناب مستطاب آقای شریعتمدار سلمه الله که سبک و سیره جناب مستطاب حجه الاسلامی بر این بوده و هست و انشاء الله سال های سال را خواهد بود که هر کس از خط راه خراسان عبور نمود از خان احسان ایشان بهره مند بود مهمان بودند و یوم پنجشنبه بیست و هشتم حرکت نموده تشریف بردند. ولی بد نشان می دهد منحوس سال خداوند عواقب امور را به خیر فرماید. جگرها خون شود تا یک پسر مثل پدر گردد.

در یوم سه شنبه سیم شهر جمادی الاول سال ۱۳۰۸ جنازه جناب غفران مآب را ولدان مرحوم امان الله خان با بعضی از ملازمان سبزواری وارد نموده در جایی که این بنده مبتلا به ناخوشی نوبه بود قسمی که امکان استقبال خان ها نبود جناب مستطاب آقای حاجی میرزا مهدی _سلمه الله تعالی_ که الحق سمت پدری به هر یک از این طایفه و اولاد داشته و دارند و پنجاه سال است که نهایت همراهی از مرده و زنده

این طایفه فرموده اند در کمال احترام جنازه متبرکه را با علم و پیک زن و پس زن وارد به شهر نمود جناب مستطاب شریعتمدار سلمه الله تعالی در مسجد جامع تشریف آورده جمع کثیری حاضر گردیده جناب ملا ... خاص خطبه در نهایت فصاحت خوانده به طاقه شالی از طرف ... اشرف جناب آقای حاجی میرزا مهدی _ سلمه الله تعالی _ مخلع شده جنازه را حرکت داده لیل چهار شنبه و پنج شنبه را در مقبره متبرکه جناب مستطاب مرحوم حاجی ملا هادی اعلی الله مقامه گذارده یوم پنج شنبه پنجم شهر مزبور را حرکت به سمت ارض اقدس داده چون در تاریخ هزار و سیصد و یک هجری در دار السیاده متبرکه قبر جایی که مبلغ سه هزار تومان خرج کرده بودند. انشاء اله ... در آن مکان بهشت بنیان شریف مدفون سازند. امید که حضرت حق _ جل شانهِ _ در جوار امام همام _ علیه آلاف التحية و السلام _ لباس مغفرت در پوشاند و برخی از نوکر های مخصوص از آن جمله ... میرزا صدر الدین و دیگران در دار الخلافه باهره بر حسب امر اولیای دولت جاوید مدت اقامت دارند تا به دکان سرکار معتمد السلطان ... آقا میرزا علی محمد رئیس دفتر که اکبر و ارشد و اعقل اولاد مرحوم غفران مآب است تشریف ببرند. و حساب های سه ساله را تفریع نموده الیه تعالی مورد مرحمت های بندگان شاهنشاهی _ ارواح العالمین له الفداء _ گردیده به اعطای لقب و منصب مراجعت به خراسان نماید انشاء الله چراغ این دودمان به وجود ایشان افروخته خواهد بود. نمیدانم چه باعث داشت و در این مسئله چه مصلحتی بود که سرکار ... حاجی فرامرز خان سرتیپ دام اجاله با همه اختصاص و قربت که سال های سال در نهایت همراهی و محبت دیده بودند مع هذا در یوم ورود جنازه متبرکه که از قریه باغان به بلده نشریف نیاورند. اگر مصلحت در این فقره بوده است و الا نباید این طور معمول می داشتند. خداوند وسیله سازد که انشاء الله مسند عزت از این خانواده برچیده نشود. و عزت فوق عزت به بندگان سرکار معتمد السلطان آقای رئیس دفتر _ دام مجده العالی _ کرامت فرماید تا انشاء الله من بعد را هر چه واقع شود در این رساله نگاشته شود.

سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده رکن الدوله در بیست و دوم شهر محرم الحرام هزار و سیصد و پنج تشریف فرمای خراسان شدند و تا مدت سه سال حکمرانی فرمودند و در هفتم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و هشت هجری به اخبار تلگرافی معلوم شد که پادشاه اسلام پناه را رای مبارک اقتضا فرمود که ایشان را از ایالت معزول و حضرت اجل اکرم میرزا فتح علی خان صاحب دیوان ولد مرحوم حاجی قوام شیرازی به ایالت خراسان بر قرار شدند و نواب اشرف ارفع والا شاهزاده احمد میرزا معین الدوله نایب الایاله گردید در غره شهر رمضان المبارک سرکار نواب اشرف ارفع والا امیر زاده اعظم علی نقی میرزا از قریه اباری که چند روز بود نقل مکان فرموده بودند حرکت کرده به دار الخلافه باهره تشریف بردند و در بیست و هفتم شهر مزبور سرکار نواب اشرف ارفع والا شاهزاده رکن الدوله تشریف فرمای سبزوار شده در بیست و هفتم حرکت فرمودند در مزینان با ایالت جدید ملاقات نکرده گذشتند. در یوم شنبه بیستم شهر رمضان المبارک بندگان حضرت صاحب دیوان و جناب جلالت مآب آقای مؤتمن السلطنه والد ارشد مرحوم مبرور مؤتمن السلطنه _ اعلی الله مقامه _ به عنوان پیشکاری ... آقا میرزا سلمان هم به اسم وزارت خاصه تشریف آوردند. در یوم دوشنبه دوم شهر شوال المکرم حرکت فرموده رو به مقر ایالت و ... بوسی امام

همام _ علیه آلاف التحیه و السلام _ تشریف بردند میرزا مصطفی قلی خان را به عنوان نایب حکومت و عالیان علی اصغر خان را که از لوک های قدیم ... با جناب جلالت ماب مؤتمن الملک و از بندگان حضرت امالت کسری می باشد و حکومت سبزووار مفوض و مرجوع به ایشان است و علی الحساب را در خدمت بوده بندگان حضرت صاحب دیوان به ارض اقدس مشرف شدند. و این دو شخص وافی و کافی یکی را نیابت حکومت و دیگری را به عنوان در سبزووار گذاردند تا از پرده غیب چه در آید و آسمان چه بازی کند. من بعد را هر چه واقع شود در این کتابچه ثبت خواهد شد.

هو الله تعالی ... میرزا حسن پسر مرحوم میرزا مؤمن کلانتر در تاریخ هزار و دویست و پنجاه متولد شد. میرزا مؤمن در تاریخ هزار و دویست و هفتاد و چهار مرحوم شد. میرزا محمد حسن عمل کلانتری داشت. در سنه هزار و دویست و هشتاد و پنج اسناد دادند که در بین نزاع ... علی اکبر ولد مرحوم حاجی آقا بیک چکنی به دست او مقتول شده هزار تومان داد. مرارت ها کشید. پانزده ساله اخراج بلد شد. بعد ها به هزار زحمت به سبزووار آمد، منصب استیفا گرفت. در تاریخ هزار و سیصد و هشت به مکه رفت حاجی میرزا محمد حسن مستوفی شد. در سنه هزار و سیصد و یازده در لیل جمعه بیست و دوم شهر ربیع الثانی خودش و زوجه اش به مرض وبا در گذشتند. و از صدمه اولاد ناخلف ... آسوده گردید. _ خداوند بیامرز دشان.

هو الله _ تعالی شانه العالی _ در خاتمه کار مرحمت و غفران ماب مؤتمن السلطنه طاب ثراها این که میرزا محمد رضا ولد مرحوم میرزا ابراهیم سبزواری در سن هفده سالگی که الله یار خان اصف الدوله در خراسان ایالت داشت به سبزووار آمده در منزل برادر والا گهر خود میرزا اسماعیل بود. در تاریخ هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری مرحوم میرزا اسماعیل صبیبه بابا خان کوه مشی را جهت خودش و صبیبه حاجی محمد حسین خیر آبادی را برای میرزا محمد رضا عقد نمود. عروسی بسیار خوبی کرد به فاصله چهار ماه عیال خود را برداشته به مشهد مقدس برد در تاریخ هزار و دویست و شصت و دو در شهر شوال از مشهد حرکت کرده والده خود حاجیه عالیه خانم را برداشته به قصد زیارت بیت الله الحرام به سبزووار آمدند. محض ورود به سبزووار خبر فوت صبیبه حاجی محمد حسین با دو طفل خود که پسری و دختری بود در خیر آباد رسید. بعد از میرزا اسماعیل و میرزا محمد رضا با والده شان حرکت کرده به عتبات عالیات مشرف گردیده در کربلای معلی میرزا اسماعیل مریض شده با والده اش در کربلا ماند و میرزا محمد رضا با ... قاطر به مکه معظمه مشرف شدند در بیستم شهر شوال المکرم میرزا اسماعیل مرحوم شد. حاجی میرزا محمد رضا بعد از نیل مقاصد مراجعت نمودند. به فاصله چندی در تاریخ هزار و دویست و شصت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این نسخه را جناب آقای سید رضا مختاری رئیس فرهنگ سرای آفتاب در سبزواری به این جانب دادند؛ از ایشان سپاسگزارم.
- ۲- بیهقی، محمود، سبزواری شهر دیرینه های پایدار بیهقی، کتابستان مشهد ۱۳۷۰.
- ۳- جهانگیر میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه، تهران، اعلامی، ۱۴۷/۱۳۲۷ تاریخ نو شامل حوادث دوره قاجار از ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷.
- ۴- همان، ۲۰۰-۳۲۴.
- ۵- سعادت نوری، حسین، رجال قاجار، تهران، وحید، ۱۳۶۴، ص ۲۸۶.
- ۶- علی نقی میرزا فرزند محمد تقی میرزا رکن الدوله پسر محمد شاه قاجار در سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ والی خراسان بود و در سال ۱۳۳۰ حاکم همین ایالت نیز شد. وی در ۱۳۱۸ لقب رکن الدوله دریافت نمود: القاب رجال دوره قاجار، ص ۶۹.
- ۷- سلطان مراد میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه پسر فتح علی شاه (۱۲۳۳-۱۳۰۰) در سال ۱۲۵۳ به حکومت ارسباران منصوب شد و مدت ها حکومت خراسان و فارس را بر عهده داشت: القاب رجال دوره قاجاریه، ص ۵۹.
- ۸- حاج میرزا محمد رضا مستوفی سبزواری فرزند محمد ابراهیم با دریافت القاب (مستشار التولیه مستشار الملکی و مؤتمن السلطنه) در سفر دوم ناصرالدین شاه از طرف شاه، پیشکار مالیه آن زمان و وزیر مملکت خراسان بود. ناصرالدین شاه پس از برگشت سفر مشهد او را در سال ۱۳۰۰ به تهران برد و جزء وزرای دارالشورای کبری گردید. سپس مجدداً وزیر مملکت خراسان شد و به دنبال آن به تهران برگشت در ۱۳۰۳ با عنوان جنابی (عنوان جناب به وزرا اختصاص داشت). از طرف شاه مخاطب گردید و برای سومین بار باز هم به پیشکاری خراسان منصوب گردید و در ۱۳۰۸ درگذشت. وی در حرم مطهر امام رضا در مقبره خاصه خویش در قسمت دارالسیاده به خاک سپرده شد. محمود بیهقی، سبزواری شهر دانشوران بیدار، ج ۲، سبزواری، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰.
- ۹- آل عمران، ۲۶.